

تأکید مراجع عظام نجف بر بزرگداشت مقام علمی و معنوی حکیم بهابادی



کنگره بزرگداشت تولیت آستان مقدس علوی علیه السلام مرحوم ملا عبدالله بهابادی رحمته الله علیه با همکاری مراکز قم و نجف برگزار می شود

آية الله العظمى حکيم

کنگره های بزرگ داشت علما

زمینه ساز الگوگیری نسل های کنونی است



حضرت آية الله سید محمدسعید حکیم از مراجع تقلید مقیم نجف، در دیدار هیئت اعزامی کنگره ملا عبدالله، با اشاره به شخصیت این دانشمند بزرگ اظهار داشتند: کتاب حاشیه ملا عبدالله بر تهذیب المنطق، قرن هاست مورد استقبال حوزه های علمی قرار گرفته و این نشان از جایگاه علمی و معنوی ملا عبدالله بهابادی دارد.

ایشان تأکید کردند: برگزاری چنین کنگره هایی دارای برکات علمی و معنوی بسیار زیادی برای نسل های کنونی است تا با بزرگان عرصه علم و عمل آشنا شوند و آنان را سرمشق زندگی خود قرار دهند.

این مرجع تقلید در پایان، به موضوع عربی الاصل یا ایرانی الاصل بودن ملا عبدالله پرداخته و گفتند: اگر خاندان ماللی بر عربی الاصل بودن اصرار دارند، باید اسناد خود را ارائه کنند؛ در عین حال هیچ استبعاد وجود ندارد که ملا عبدالله، ایرانی الاصل بوده اما نوادگان ایشان با گذشت زمان، مستعرب شده اند. چنین چیزی در تاریخ عراق گزارش شده که برخی از سلاطین ایران، شهری در اطراف الانبار تأسیس کردند و نزدیک به ۳۰ هزار ایرانی به آن جا منتقل گردیدند و پس از مدتی نوادگان همه آن ها عرب شناخته شدند.

آية الله العظمى بشير نجفی

ارتباط علمی نسل جدید با نسل قدیم

نباید قطع شود

حضرت آية الله بشیر نجفی در دیدار هیئت اعزامی کنگره بزرگداشت ملا عبدالله بهابادی یزدی، رمز موفقیت این دانشمند بزرگ را تزکیه نفس دانسته و تأکید کردند: تزکیه نفس و اخلاص در انسان، توسط عوامل متعدد شکل می گیرد که به نوع تفکر و رفتار فرد



بازمی گردد و توجه ویژه به مسأله تهذیب و تزکیه نفس، یکی از ویژگی های بارز ملا عبدالله است. این خصیصه را میتوان از مطالعه کلمات و آثار ایشان احساس و ادراک کرد و این مهم، یکی از عوامل اساسی است که در پیش برد اهداف مادی و معنوی اثرگذار است.

این مرجع تقلید، ارزش مندی برگزاری کنگره علامه بهابادی را در اهتمام به سیره معنوی ملا عبدالله و روش شناسی آثار، دانستند و گفتند: سیره معنوی در تربیت نسل های آینده اثرگذار است و روش علامه در نگارش و رایبه مطالب، برای طلاب مفید خواهد بود.

حضرت آية الله بشیر نجفی افزودند: نباید طلاب را به بهانه سنگین بودن یک متن درسی مانند حاشیه ملا عبدالله، از خواندن آن محروم کرد و قطع ارتباط نسل جدید با نسل قدیم را سبب شد. کتاب های روان و ساده، تهدیدی برای حوزه هاست. طلاب باید با روش صحیح منابع اصیل حدیثی، رجالی و قرآنی آشنا شده و پس از فهم درست و روشمند، آن را با زبان و منطق گویا بیان کنند. ایشان در پایان توصیه کردند، دبیرخانه کنگره درباره دیگر آثار ملا عبدالله نیز تحقیق کند.



شناساندن بزرگان عرصه علم و عمل، اقدامی شایسته تقدیر است



درباره تولیت ایشان لازم است، اسناد و مکتوبات عتبات علویه و حسینیه بررسی شود تا اطلاعات دقیقی به دست آید.

مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین سیدعلی سبزواری

منطق و فلسفه در فهم دقیق نصوص دینی مفید است

و بحث با مخالفان عقیدتی است و در فهم دقیق نصوص دینی هم مفید است. پدر من هم فلسفه را دارای فوایدی می دانست و خودش هم تدریس حکمت و تألیفات فلسفی داشت.

برخی بر این باور هستند از آن جا که فلاسفه با ابزاری به نام عقل به تحلیل هستی می پردازند، لذا تعبد کمتری نسبت به شرعیات دارند! شما چه نظری دارید؟

به طور قطع این تصور که حکما و فلاسفه را انسان های کم تعبدی نسبت به شرعیات بدانیم، تصور نادرست و غیر منصفانه ای است. فیلسوفان فراوانی، دارای تعبد شدید به ظاهر دینی بوده اند که نمونه آن را می توان در امثال ملاحسینقلی همدانی، مرحوم سیدعلی قاضی و علامه طباطبایی قدس سرهم به نظاره نشست. علاوه بر این، امروزه می بینیم بزرگترین مفسران قرآن و شارحان روایات اعتقادی همه از متخصصین حکمت متعالیه و عرفان هستند و تا صحبت از این مسایل مطرح بشود همه انگشت ها روی شخصیت هایی چون علامه شعرانی، علامه طباطبایی و رهبر فقید انقلاب امام خمینی و امثال ایشان می رود و دیگران در این عرصه متاع چندانی برای عرضه ندارند. جدا از این مطلب، اصل اثبات دین و پاسخ به شبهات که از ضروریات دوره ماست به تخصص در علوم عقلی، محتاج است و بدون آن نمی شود از دین دفاع کرد.

شما شخصیت معنوی ملاعبدالله را چگونه ارزیابی می کنید؟
از دیدگاه دین مبین اسلام، علم بی عمل، فاقد ارزش است و علم، مقدمه عمل است. از منظر آیات و روایات، انسان موفق و کامل کسی است که در دو جهت علم و عمل، خود را به کمال برساند. معنویت علاوه بر این که به علم ارزش می دهد سبب توسعه آن نیز می گردد. از این جهت همه کارهای ما از تدریس، تحصیل و تألیف و کارهای اجتماعی و عبادات و غیره باید بر اساس معرفت و معنویت باشد. ارزش هر شخص به معرفت اوست.

«حاشیه نویسی» یکی از سنت های رایج در حوزه های علمیه شیعه بوده است. در اواسط قرن دهم این سنت خیلی رایج و مرسوم بود، اما امروزه برخی حاشیه نویسی را نشانگر ضعف مقام علمی می دانند! دیدگاه شما چیست؟
حاشیه نویسی از دیرباز مورد توجه بزرگان از فضلا بوده است. برخی از استوانه های علمی برمتون فاخر و وزین بزرگان دیگر حاشیه هایی نوشته اند. برای نمونه کتاب «عروة الوثقی» مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی نمونه ای از این حاشیه ها است که برخی از بزرگان عرصه فقه و فقاقت در این مورد قلم فرسای کرده اند. بنابراین حاشیه نویسی را دلیل کم سوادی کسی دانستن، سطحی نگری و ناشی از عدم شناخت صحیح سنت علمی حوزه های علمیه است.

حضرت آیه الله شیخ محمداسحاق فیاض از مراجع تقلید مقیم نجف، در دیدار هیئت اعزامی کنگره بزرگداشت ملاعبدالله، شناساندن هرچه بیشتر بزرگان عرصه علم و عمل را اقدامی شایسته تقدیر دانستند.

ایشان گفتند: کتاب «حاشیه» اثر گران سنگ ملاعبدالله بهابادی است که بعد از قرن ها در حال حاضر نیز در برخی از مدارس حوزه علمیه نجف تدریس می شود.

این مرجع تقلید افزودند: ملاعبدالله در زمان اقامت خود در نجف اشرف، تولیت حرم مطهر امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام را برعهده داشت و خاندان ملاعبدالله (خاندان ماللی) تا قرن ها این منصب را در اختیار داشتند، تا این که در زمان علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء به تیره ای از سادات منتقل شد. البته

با توجه به اطلاعات شما از حوزه علمیه نجف و اشتغال به تدریس علوم حکمت و معقول، وضعیت منطق، فلسفه و عرفان نظری را در حوزه نجف اشرف چگونه ارزیابی می کنید؟

حوزه علمیه باید فعال، نوآور و پویا باشد تا به ناتوانی در ادای رسالت خود متهم نگردد. بعد از حاکمیت یعنی ها در کشور عراق سیاست هایی اتخاذ شد که آسیب های فراوانی را به حوزه علمیه نجف وارد ساخت؛ اما در طی ده . پانزده سال گذشته، رونقی در حوزه ایجاد شده و مجامع علمی طراوتی مجدد یافته است.

آیا هم چنان حاشیه ملاعبدالله بهابادی جزو کتب درسی طلاب در حوزه علمیه نجف به شمار می رود؟

در حال حاضر در حوزه علمیه نجف و سایر مجامع علمی شیعه عراق، در علم منطق علاوه بر المنطق مظفر، حاشیه ملاعبدالله هم بعضاً به عنوان متن درسی رواج داشته و مورد رجوع اساتید و طلاب است. توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که با این که علامه مجاهد مرحوم شیخ محمدرضا مظفر تحولی در متون آموزشی و شیوه های تدریس در حوزه پدید آورد، ولی در نیم قرن اخیر به دلیل سیاست های خصمانه و ظالمانه رژیم منحوس بعث، این شیوه در عراق مورد استقبال قرار نگرفت. اما الحمدلله تلاش های علامه مظفر در ایران مورد استقبال فضلا و دانشوران حوزوی قرار گرفت.

پدر ارجمند شما، حضرت آیه الله عبدالاعلی سبزواری، از مراجع تقلید بودند و تحصیلات فلسفی خود را نزد بزرگانی هم چون مرحوم غروی اصفهانی، آقا بزرگ حکیم و مرحوم سیدحسین یادکوبه ای گذرانده بودند. ایشان، نقدهای بسیار جدی بر فلسفه داشتند که برخی گمان کرده اند از مخالفین فلسفه هستند! در این باره چه نظری دارید؟

ابوی مرحوم بنده همان طوری که فرمودید منطق و فلسفه را نزد استادان بزرگی فرا گرفته بود و به هیچ گاه نگاه منفی به علوم معقول نداشت و کتابی هم تحت عنوان اندیشه های فلسفی به نگارش در آورده بود که حکایت از رویکرد فلسفی ایشان داشت. البته ایشان مثل هر فیلسوف آزاداندیشی، تابع برهان و استدلال بود و نقدهایی هم بر مطالب فلسفی حاجی سبزواری دارد، ولی این نقدها دلیل مخالفت ایشان با فلسفه و فلاسفه نیست. کسی که فکر کند نقد فلسفه توسط فلاسفه، به معنای ضدیت آن ها با فلسفه است، به خطا رفته است. اما والد حقیر، سعی داشت «مشرّب فلسفی» در «مشرّب فقهی» دخالت نکند. ابوی بر خلاف استادشان مرحوم غروی اصفهانی معتقد بود کسی که در علم فقه کار می کند، باید فهم عرفی داشته باشد و مراد و مقصود ائمه علیهم السلام را درک کند. اما این دوری از خلط حکمت در مباحث فقهی، هم دلیل حکمت ستیزی ایشان نیست. منطق و فلسفه و معقول، دارای فوایدی برای طلاب در زمینه استحکام عقاید

دست یابی به خلاصه تفسیر «درّة المعانی»

پژوهشگران دبیرخانه کنگره بین المللی «ملاعبدالله بهابادی یزدی» در راستای جست و جو و احیای آثار، به خلاصه تفسیر سوره فاتحه و توحید ایشان که به نام «درّة المعانی فی تفسیر السورة والفاتحه» مشهور است، دست یافتند.

این تفسیر در جلد نخست کتاب «رسائل فی تفسیر سوره الفاتحه»، درج شده که مرکز احیای آثار اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی آن را تحقیق کرده و به چاپ رسانده است. محقق این کتاب، تفسیر «درّة المعانی» را به عبدالله شاه آبادی منسوب دانسته، اما پژوهشگران دبیرخانه پس از بررسی، به این نتیجه رسیدند این تفسیر، رساله ای است در علم تفسیر؛ و خلاصه ای است از کتاب دیگر ملاعبدالله یزدی به نام «التجارة الربیحة».

این کتاب، تنها اثر تفسیری چاپ شده از مرحوم بهابادی یزدی به شمار می رود و می توان اطلاعات بسیاری درباره مشرب تفسیری، صرفی، نحوی، لغوی بلاغی، عرفانی، فلسفی و فقهی مرحوم بهابادی را از آن کشف کرد. نام کامل این اثر «درّة المعانی فی تفسیر سوره الاخلاص والسبع المثانی» است.

دلایل محققان

اولاً: در قرن دهم هجری غیر از مرحوم ملاعبدالله بهابادی (که در برخی منابع، به غلط شهابادی نام برده اند) طبق کتاب طبقات الاعلام شیخ آقا بزرگ، شخص دیگری به این نام وجود ندارد.

ثانیاً: بر اساس کتاب الذریعه آقا بزرگ تهرانی، غیر از علامه ملاعبدالله بهابادی فرد دیگری تألیفی به نام «التجارة الربیحة فی تفسیر السورة والفاتحه» ندارد، لذا تفسیر چاپ شده فعلی، خلاصه همان التجارة الربیحة است.

ثالثاً: این اثر نمیتواند از ملاعبدالله شوشتری باشد؛ زیرا محتوای متن و سیاق آن، ناظر به تأویل پذیری است. این روش با مبنای اخباری ها که مرحوم شوشتری یکی از آنان است، سازگاری ندارد؛ چرا که اخباریان، ظواهر قرآن را حجت نمی دانستند.

رابعاً: محقق محترم، زمان تألیف این اثر را ۹۹۲ هـ ق ذکر کرده که هر چند با سال وفات ملاعبدالله ۹۸۱ هـ ق، سازگاری ندارد؛ لیکن به سبب اشتباه لفظ تسعین (۹۰) با سبعین (۷۰) در حقیقت سال تألیف ۹۷۲ هـ ق، یعنی ۹ سال قبل از وفات ملاعبدالله یزدی بوده است.



اشتراک افق حوزه

۰۲۵ - ۳۲۹۰۰۵۳۶

نماین: ۳۲۹۰۱۵۲۳

آیندگان بدانند برای سربلندی مکتب اهل بیت علیهم السلام چه زحمات خالصانه‌ای کشیده شده است

دبیر و مسئولان دبیرخانه بین‌المللی علامه بهابادی یزدی با حجة الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی، نماینده آیه الله العظمی سیستانی و رئیس مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام دیدار کردند.

در این دیدار حجة الاسلام والمسلمین شهرستانی ضمن تقدیر از فعالیت‌های این دبیرخانه اظهار داشت: تلاش برای بزرگداشت شخصیت‌های والامقام جهان تشیع، در حقیقت تجلیل از مکتب تشیع و دستاوردهای علمی عالمان تشیع است.

نماینده آیه الله العظمی سیستانی تصریح کرد: باید سیره علمی و عملی این بزرگواران، برای نسل‌های جدید تبیین گردد تا آیندگان بدانند برای سربلندی مکتب اهل بیت علیهم السلام چه زحمات و فعالیت‌های خالصانه صورت گرفته است.

رئیس مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام خاطر نشان کرد: برای به سرانجام رسیدن این کنگره لازم است که هم عاشقانه و هم با پشتکار وارد کار شد؛ که الحمدلله شما این دو خصیصه را دارید و ان شاء الله موفق و مؤید خواهید بود. به گزارش دبیرخانه کنگره علامه بهابادی، در این دیدار دبیر کنگره ضمن تقدیر و تشکر از مساعدت‌های حجة الاسلام والمسلمین شهرستانی، گزارشی از روند فعالیت‌های دبیرخانه ارائه کرد و گفت: با این‌که ملاعبده الله بهابادی یزدی یکی از شخصیت‌های بزرگ جهان تشیع در قرن دهم هجری است، لیکن در حافظه تاریخی حوزه‌های علمیه معاصر،



صرفاً به صاحب حاشیه تهذیب المنطق تفتازانی معروف است و این تصور و ذهنیت از یک سو و تنوع آثار برجای مانده از ایشان، از سوی دیگر، کار متولیان کنگره را بسیار سخت می‌نماید.

حسن عبدی پور افزود: از این رو دبیرخانه در راستای زمینه‌سازی و اصلاح نگاه حوزویان و دانشگاهیان به ابعاد ناشناخته شخصیت علمی و عملی علامه بهابادی، اقداماتی به شرح انجام داد:

* معرفی ابعاد شخصیت علمی علامه از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی ویژه‌نامه؛
* جریان‌سازی و اطلاع‌رسانی میان مراکز علمی، آموزشی؛

- * برگزاری جلسات بحث و گفت‌وگو پیرامون جایگاه علمی و نقش سیاسی، اجتماعی ملاعبده الله با صاحب نظران؛
- * معرفی منابعی که به شخصیت علامه پرداخته‌اند؛
- * تحقیق و تفحص پیرامون آثار علمی ملاعبده الله و معرفی آن به دانش پژوهان حوزوی و دانشگاهی؛
- * فراخوان و درخواست نگارش مقاله؛
- * زمینه‌سازی و هماهنگی برای برگزاری نشست‌های علمی؛
- * تحقیق و بررسی درباره آثار منسوب به ملاعبده الله و تلاش برای احیای این آثار؛
- * دفع شبهات پیرامون تولیت و نسب ایشان؛
- * سفر به کشور عراق برای دستیابی به آثار مفقود و تهیه نسخ خطی؛
- وی هم چنین، فعالیت‌ها و پروژه‌های در دست اقدام و اتمام دبیرخانه کنگره ملاعبده الله بهابادی یزدی را به شرح زیر برشمرد:
- * کتاب سیره علمی عملی ملاعبده الله بهابادی یزدی علیهم السلام؛
- * کتاب مجموعه دیدارها و گفت‌وگوها پیرامون شخصیت علمی و معنوی ملاعبده الله؛
- * کتاب شناختنامه؛
- * کتاب مجموعه مقالات؛
- * کتاب ترجمه و شرح درة المعانی؛
- * بررسی شبهات پیرامون تولیت و نسب ملاعبده الله بهابادی؛
- * برنامه‌ریزی برای احیای سایر نسخ خطی و تأمین اعتبار آن؛
- * تنظیم و چاپ حاشیه ارشادالاذهان. (همراه با چهار حاشیه مقدس اردبیلی، شهید اول، شهید ثانی، شیخ انصاری)؛
- * هماهنگی با دانشگاه کوفه، موسسه تراث نجفی، مرکز مطالعات عتبه حسینی و عتبه علویه برای نگارش مقالات؛
- * انعقاد تفاهم‌نامه با قطب علمی صفویه و فلسفه دانشگاه اصفهان برای نگارش مقالات، ارزیابی مقالات و برگزاری نشست؛
- * هماهنگی با معاونت پژوهشی جامعه المصطفی العالمیه برای پیگیری امور عراق و برگزاری نشست علمی؛
- * تفاهم‌نامه با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برای تدوین و انتشار شناخت‌نامه علامه با نظارت مرکز احیای آثار اسلامی و برگزاری نشست‌های تخصصی؛
- * واگذاری پروژه‌های تحقیقاتی چون: شناخت‌نامه، سیر علمی و عملی، تفسیر سوره حمد و توحید و کتاب فقه (حاشیه ارشاد الاذهان علامه).
- در ادامه این دیدار، حجة الاسلام والمسلمین هروی، قائم مقام و مسئول امور بین‌الملل دبیرخانه ملاعبده الله بهابادی هم گزارشی از سفر هیئت اعزامی دبیرخانه به کربلائی معلی و نجف اشرف ارائه کرد و همکاری نمایندگی‌های مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام در عراق، لبنان و ترکیه برای دستیابی به نسخ خطی و احیای آثار ملاعبده الله و نگارش مقاله به قلم شخصیت‌های علمی این سه کشور را خواستار شد.

معرفی حاشیه ارشادالاذهان مرحوم ملاعبده الله بهابادی

- بسیاری توسط فقیهان نامدار نوشته شده است که از مشهورترین این شروح می‌توان این‌ها را نام برد:
- غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، تألیف شهید اول (۱۰۷۸ ق)؛
 - روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، تألیف شهید ثانی (۱۰۹۶ ق)؛
 - حاشیه ارشادالاذهان، تألیف ملاعبده الله بهابادی یزدی (۱۰۹۸ ق)؛
 - مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، تألیف محقق اردبیلی (۱۰۹۱ ق)؛
 - ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، تألیف محقق سبزواری (۱۰۹۰ ق)؛
 - نهج السداد فی خلاصیات الإرشاد، تألیف شیخ یوسف بحرانی.
- از دیگر بزرگانگی که به این کتاب شرح زده‌اند، می‌توان به فخرالمحققین (۷۷۱ ق)، شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی (زنده در ۹۴۵ ق)، فاضل تونی صاحب الوافیة (۱۰۷۱ ق)، محقق کرکی (۹۴۰ ق)، ابن فهد حلی (۸۴۱ ق) و شیخ انصاری (۱۲۸۱ ق) اشاره نمود.
- حاشیه ارشادالاذهان ملاعبده الله بهابادی توسط دبیرخانه کنگره بین‌المللی ملاعبده الله بهابادی یزدی تصحیح شده و در کنار شروح دیگر در یک مجلد به چاپ خواهد رسید.



غیرمستقله از قبیل ملازمه بین حکم شرع و عقل، ملازمه بین وجوب شیئی، وجوب مقدمه و مانند این‌ها استناد می‌کرد و پاره‌ای از احکام را استنباط می‌نمود. براین کتاب از آغاز تألیف، شروح متعدد و تعلیقات و حواشی

کتاب شریف ارشادالاذهان، اثر گران سنگ و فاخر حسن بن یوسف بن علی بن مطهر علیهم السلام معروف به علامه حلی می‌باشد؛ که به تعبیر نویسنده «حسن الترتیبی» است که آن را بنا به درخواست فرزندش فخرالمحققین محمد نگاشته است؛ چراکه پس از خطبه می‌فرماید: همچنان‌که خداوند متعال اطاعت پدر و مادر را بر فرزند واجب کرده است، همچنین بر ایشان واجب کرده که نسبت به فرزند شفقت داشته و خواسته‌های مشروعش را برآورده سازند.

این کتاب در فقه غیراستدلالی نگاشته شده و همه ابواب فقهی را دربر دارد. بسیاری مجموعه مسائل مطرح شده در آن را پانزده هزار مسئله دانسته‌اند. ابواب این کتاب از طهارت آغاز شده و به دیات ختم می‌شود.

شواهد تاریخی عمدتاً حاکی از این است که صورت‌بندی فقه شیعه به معنای علم قوانین اسلامی به طور نظام‌مند و کامل توسط شیخ طوسی علیهم السلام در قرن پنجم هجری شرایط دقیق‌تری پیدا کرد و بعدها توسط صاحب شرایع و علامه حلی علیهم السلام توسعه یافت. این امر در کتاب ارشاد الاذهان تا حدی این توسعه یافتگی خود را نشان می‌دهد؛ چراکه علامه حلی علیهم السلام مسیر فقهای امامیه را آن‌چنان ادامه داد که بر سنت سلف علاوه بر احادیث وارد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام که این خود برای استنباط احکام کفایت می‌کرد، به ادله عقلیه و



همکاری مرکز «الدراسات و بحوث» با کنگره

حاشیه ملا عبدالله دارای استانداردهای کتاب درسی است

آن شود، در حوزه وجود ندارد. بنده خودم در سال ۱۳۶۶ شمسی، کتاب حاشیه را فرا گرفتم و سال‌ها این کتاب را تدریس کرده‌ام و آن را برای بسیاری از طلاب حتی مدقین آن‌ها لازم و ضروری می‌دانم.



■ از دیدگاه شما علت شهرت ملا عبدالله در منطق چیست؟

همان‌گونه که در ابتدای بحث اشاره کردم، ملا عبدالله بیشتر به

جنبه منطقی فلسفی مشهور بود و این باعث شده جنبه‌های دیگر مورد غفلت واقع شود. در جلد دهم کتاب «اعیان الشیعه» ملا عبدالله بهابادی استاد بزرگانی هم چون شیخ بهایی، صاحب مدارک و صاحب معالم در حوزه معقول، معرفی شده است. مرحوم شهید مطهری در کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» در خصوص جایگاه علمی ملا عبدالله بهابادی می‌نویسد: «ملا عبدالله یزدی صاحب حاشیه معروف بر منطق التهذیب که به حاشیه ملا عبدالله معروف و کتاب درسی طلاب در منطق است. بعضی مدعی شده‌اند که از علوم شرعی بی‌اطلاع بوده است، ولی برعکس، هم فقیه بوده و هم اهل معقول، خصوصاً منطق. در شیراز نزد جمال‌الدین محمود سابق‌الذکر و امیر غیاث‌الدین دشتکی تحصیل کرده است در آخر عمر به عراق رفته و مجاور شده و در همان‌جا در سال ۹۸۱ درگذشته است.»

■ شخصیت علمی علامه ملا عبدالله بهابادی را چگونه یافتید؟

ملا عبدالله بهابادی از جمله مشاهیر و بزرگان تشیع در قرن دهم است که در عرصه‌های مختلف فقهی، اصولی، تفسیری، فلسفی، کلامی و منطقی در غایت تبحر و استادی بوده و به نوشته ریحانة‌الادب: علاوه بر تبحر معقولی، که مسلم یگانه و بیگانه است، تبحر او در فقه نیز به حدی بوده که بالاستحقاق

می‌گفته است: به توفیق خداوندی اگر بخواهم، تمامی مسایل آن را با ادله و براهین عقلیه طوری واضح و روشن نمایم که ابدای رز و مجال چون و چرا نماند. به باور بنده در گواه تبحر ایشان به علوم متعدد همین بس که استاد کسی چون علامه ذوالفنون شیخ بهایی است.

■ کتاب حاشیه ملا عبدالله را چگونه یافتید؟

کتاب «الحاشیه علی التهذیب» ملا عبدالله بهابادی از قدیم در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شده و هنوز هم جزو کتب درسی طلاب به شمار می‌رود. این کتاب در دهه‌های گذشته از رونق افتاده، ولی به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد، به نظر نمی‌رسد تدریس آن به‌طور کلی کنار گذاشته شود. به باور بنده این اثر گرگان سنگ، کتابی موجز، متقن و دارای استانداردهای کتاب درسی است. البته ادعا نمی‌شود که بهتر از این کتاب نمی‌توان تدوین کرد، ولی در حد خود از کتاب‌های موفق است و به نظر می‌رسد هنوز کتابی که به‌طور کامل بتواند جایگزین

هیئت کنگره بین‌المللی علامه بهابادی و تعدادی از اعضای علمی، در سفر تحقیقاتی و هماهنگی خود به عراق و بازدید از مراکز علمی و شخصیت‌های دینی کربلائی معلی و نجف اشرف، پس از ملاقات با حجة الاسلام والمسلمین



شیخ مهدی کربلائی، تولیت عتبه مقدسه امام حسین (علیه السلام) از مرکز الدراسات و بحوث کربلا (وابسته به عتبه حسینی)، دیدار کردند.

در این دیدار، دکتر نصرالله معاون حقوقی مرکز الدراسات به تاریخچه و فعالیت‌های آن پرداخته و اظهار داشت: در دو سال و چند ماه گذشته، بالغ بر شصت جلد تألیف در حوزه علوم انسانی و احیای تراث اسلامی داشته‌ایم. وی همچنین به مشارکت مرکز در برگزاری کنگره آیه‌الله وحید بهبهانی در سال جاری اشاره کرده، گفت: یکی دیگر از برنامه‌های در دست اقدام مرکز، برگزاری کنگره «علامه ابن‌فهد الحللی» است.

معاون حقوقی مرکز الدراسات درباره شیوه همکاری با کنگره علامه ملا عبدالله بهابادی یادآوری کرد: پس از جمع‌آوری مستندات، منابع و آثار علامه می‌توان تولید مقالات را به افراد مرتبط با مرکز، سفارش داد. همچنین پس از مشخص شدن مهلت ارسال مقالات، می‌توانیم با دانشگاه‌ها و دانشکده‌های اسلامی ارتباط برقرار کنیم.

وی با اشاره به دیگر ظرفیت‌های مرکز و وجود نمایندگی مرکز الدراسات در بصره، بغداد و شمال عراق، اظهار امیدواری کرد ارتباط مستمر میان مرکز الدراسات و کنگره علامه بهابادی، مشارکت جدی را رقم بزند.

در این دیدار دکتر حسن عبدی پور دبیر کنگره علامه بهابادی و حجة الاسلام هروی؛ مسئول امور بین‌الملل گزارشی از فعالیت‌های انجام یافته دبیرخانه ارائه کردند و به شیوه مشارکت دبیرخانه با مرکز الدراسات و البحوث کربلا پرداختند.

کنگره ملا عبدالله بهابادی درباره مکتب تعقل‌گرای آن روزگار کار کند



به ملا عبدالله نگاه داشته است. بنده فکر می‌کنم محتوای نامه ناظر به همین جریان تعقل‌گرایی است؛ زیرا ایشان در نجف اشرف به تدریس علوم معقول اشتغال داشته و بزرگانی مثل صاحب معالم، شیخ بهایی و غیره را تربیت می‌کنند. شیخ بهایی در حاشیه‌ای که بر تفسیر بیضاوی نوشته، از استادش ملا عبدالله بهابادی یاد کرده و ایشان را علامه خطاب کرده است که این از جایگاه رفیع ملا عبدالله در حوزه علم دارد.

■ از لحاظ جغرافیایی، شهرستان بهاباد جزو کدام استان به شمار می‌رود؟

بهاباد محل رشد و پرورش بزرگان بسیاری بوده که خدمات زیادی برای جامعه بشری انجام داده‌اند. از جمله آن بزرگان، مرحوم ملا عبدالله بهابادی است. گاهی بهاباد را جزو کرمان و گاهی جزو یزد به شمار آورده‌اند و برخی سفرنامه‌نویسان قدیمی مثل مارکوپولو هم از این ناحیه نام برده‌اند.

■ درباره ملا عبدالله چه کارهایی باید صورت بگیرد؟

متأسفانه در باره ملا عبدالله بهابادی کار قابل توجهی صورت نگرفته است و لازم است کنگره ملا عبدالله، کمیته‌های علمی تشکیل دهد و مطالب مرتبط از کتابخانه‌های معتبر

چه نسبتی دارد؟

ببینید! ملا عبدالله بهابادی در همین دوره تعقل‌گرایی می‌زیسته و خودش هم از افراد شاخص این جریان تعقل‌گرایی است. وی که در شیراز نزد شیخ جمال‌الدین محمود شیرازی (از شاگردان علامه جلال‌الدین دوانی) به تحصیل پرداخته و با کسانی چون مقدس اردبیلی و باغنوی شیرازی (که به وی باغندی هم گفته‌اند)، هم درس بوده است؛ منتهی بعدها باغندی به هند و مقدس اردبیلی و ملا عبدالله بهابادی به عراق می‌روند. در نجف، مقدس اردبیلی بر منقول‌گرایی و فقه، متمرکز می‌شود، ولی ملا عبدالله بهابادی چنان‌که در ایران و در مکتب شیراز، در جریان تعقل‌گرایی فعالیت می‌کرد، با این‌که در نجف، منصبی از سوی حکام صفوی پذیرفته بود، به تقویت جریان تعقل‌گرایی عصر صفوی می‌پردازد و حتی کتاب مشهور حاشیه‌اش را که شرحی بر اثر موجز «تهذیب المنطق تفتازانی» است، در آن‌جا می‌نویسد.

■ به نظر می‌رسد ارتباط شهید ثانی با ملا عبدالله هم در همین زمینه باشد!

بله! شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه، از نامه‌ای خبر می‌دهد که شهید ثانی خطاب

■ شما مطالعاتی در باره افکار و زندگی

ملا عبدالله دارید. در این باره توضیح بدهید. در سفر مقام معظم رهبری به یزد، ایشان در مورد بزرگان و مفاخر این استان، اشاراتی داشتند که حکیم ملا عبدالله بهابادی. از آن جمله بود. معظم‌له همچنین از خاندان «ملالی»، که شهرت خاندان این دانشمند برجسته در نجف اشرف برای هیچ شخصی پوشیده نیست، سخن گفته، خاطر نشان کردند که بیش از دو قرن تولیت حرم مطهر امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) بر عهده این خاندان بوده است. بنده نیز از همان زمان، مطالعاتی درباره این شخصیت فرزانه شروع کردم که ان‌شاءالله در قالب مقاله‌ای در کنگره ملا عبدالله ارائه خواهم کرد.

■ رویکرد این مقاله چه خواهد بود؟

در مقاله با استفاده از منابع متعدد، در پی این هستم که جریان تعقل‌گرایی انتهای عصر تیموری و نیمه اول عصر صفوی را تحلیل کنم تا مشخص شود چه عوامل و شرایطی ایجاد یک بستر ویژه را موجب شد و نگرش و نگاه رایج علما به مباحث کلامی و معقول چه جهتی به خود گرفت و محاسن و مزایای این رویکرد چه بوده است.

■ تاریخ زندگانی ملا عبدالله با این رویکرد،

گردآوری شده و در اختیار دانشوران و محققان حوزوی و دانشگاهی قرار گیرد تا ان‌شاءالله در اثر تضارب آرا، مطالب فاخری استخراج شده و در اختیار جامعه قرار گیرد. انتظار می‌رود کنگره درباره مکتب تعقل‌گرای آن روزگار و فواید و برکات آن، کار کند و نقش ملا عبدالله و آثار علمی ایشان اعم از حواشی و شروح متعدد در آن مکتب را بسنجد. توجه به این نکته هم مهم است که حواشی و شروح متعددی که در آن مکتب تولید شده، نه تنها نشان ضعف علمی نویسندگان نبوده، که بستر ساز ایجاد حکمت متعالیه شده است.

حاشیه ملا عبدالله یزدی در مقایسه با کتب دیگر برای مطالعه و تدریس اولویت دارد

■ حاشیه بر تهذیب المنطق یکی از آثار فاخر علامه ملا عبدالله بهابادی از علما و بزرگان قرن دهم ه.ق است که بر اساس گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی (صاحب الذریعه) شروح بسیاری بر آن نگاشته شده است. جایگاه این اثر از نگاه شما چگونه است؟

علم منطق در مقام ابزاری متقن، بستروصول به حقیقت را در حوزه اندیشه برای آدمی گسترده است. این دانش شاید اساسی ترین شاخه فلسفی به شمار آید که در آن موضوع یا متعلق اندیشه آدمی، همان ماهیت خود اندیشه و قواعد حاکم بر آن است. ریشه داری منطق در کُنه اندیشه و زبان باعث شده که این علم از زمره علوم آلی به حساب آید و نقش ابزاری سودمند را در روند استدلال صحیح داشته باشد.

در میان اندیشمندان و دانشمندان مسلمان نیز دانش منطق، بعد از توجه به حکمت مشاء، ارزش و اعتبار بالایی پیدا کرد به گونه ای که برخی دانش منطق را «میزان» می نامیدند. حکیم فارابی، علم منطق را در رأس تمام علوم می دانست و دانش مردی چون خواجه نصیرالدین طوسی اعتقاد دارد: علم منطق شناختن معنایی است که از آن معانی، رسیدن به انواع علوم مکتسب، ممکن باشد. در سنت فلسفی و منطقی، با تلاش های حکیم دوران ها، ابن سینا و همین طور خواجه نصیرالدین طوسی و بعد از آن ها کسانی چون علامه قطب الدین شیرازی، دانش منطق در میان مسلمین بسیار فرجه گردید و کتب متعددی پیرامون آن نگاشته شد تا جایی که تلاش منطق دانان مسلمان باعث شهرت تعبیر منطق اسلامی گشت. «حاشیه ملا عبدالله یزدی» از جمله این کتب بود که مورد استقبال علما و فضلاء شیعه و سنی قرار گرفت. کتاب حاشیه اگرچه حاشیه ای بر کتاب «تهذیب المنطق» تفتازانی است، ولی خود هویتی مستقل دارد؛ به گونه ای که بخشی از آوازه مندی «تهذیب المنطق» به جهت آوازه «حاشیه ملا عبدالله یزدی» است. به باور بنده «حاشیه ملا عبدالله یزدی»، نظارت خوبی بر کل منطق داشته و در مقایسه با کتب دیگر برای مطالعه و تدریس اولویت دارد؛ زیرا متن حاشیه نه موجز است و نه از عبارت پردازی های بی جا استفاده شده که خسته کننده باشد و در کل از یک اعتدال مناسبی برخوردار و از این جهت نیز فاخر است.

■ به نظر شما ضرورت پرداختن به این دانش چیست و آیا خواندن دقیق «حاشیه ملا عبدالله یزدی» به تنهایی کافی است؟

درباره ضرورت منطق سخن بسیار است، ولی همین مقدار بس که اگر منطق، خطاسنج اندیشه قلمداد شود، در مورد ضرورت یادگیری آن بحثی نیست؛ چرا که اندیشه صحیحی بدون عبور از فیلتر منطق وجود نخواهد داشت و در واقع هر علمی که از روش استدلالی بهره می برد، و امدار منطق خواهد بود.



در عموم حوزه های علمیه به آموزش یک کتاب منطقی اعم از شرح منظومه، حاشیه ملا عبدالله یزدی، منطق علامه مظفر و غیر آن، بسنده می شود.

به باور بنده این شیوه مبتلابه نقیصه اساسی است؛ زیرا طلبه باید حجم عظیمی از مطالب درسی را در مدت زمان کوتاهی بگذرانند و این به لحاظ آموزشی نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. بنابراین طلاب و دانش پژوهان محترم نباید از این نکته غافل شوند که باید در کنار فراگرفتن متن اصلی از چند کتاب آموزشی دیگر بهره مند گردید. خصوصاً که برخی از کتب منطقی متداول، کم تر به برخی از مباحث اساسی و رکنی این دانش پرداخته اند.

برای مثال مبحث «صناعات خمس» به صورت بسیار مختصر در «حاشیه ملا عبدالله یزدی» مورد بحث قرار گرفته است. لذا لازم است طلاب محترم برای تکمیل این بحث، کتب دیگر را هم ملاحظه کنند. البته این کمبودی است که متوجه کتاب «تهذیب المنطق» است تا «حاشیه ملا عبدالله یزدی»، زیرا مولف دانشمند حاشیه درصدد حاشیه بر متن کتاب «تهذیب المنطق» بود و شاهد بر این که ایشان به اهمیت مبحث صناعات خمس، توجه داشته، مطلبی است که در انتهای کتاب گران سنگ حاشیه به آن متذکر شده و می فرماید: «برای جبران نقص نوشته های متاخران منطق دان پیرامون «صناعات خمس»، بر توباد که به کتب پیشینیان مراجعه کنی تا خود را از جهل برهانی و از درد نادانی نجات پیدا کنی.» پس عدم ذکر برخی مباحث در «حاشیه ملا عبدالله یزدی» به سبب پای بندی شارح به متن است. بنابراین در جواب به سوال شما باید گفت: طلاب و دانش پژوهان باید به سمتی حرکت کنند که همیشه در کنار یک کتاب محوری، چندین کتاب دیگر را نیز مورد مطالعه قرار دهند تا تسلط خوبی بر آن دانش داشته باشند.

■ آن گونه که صاحب «الذریعه» نقل کرده، کتاب «حاشیه ملا عبدالله یزدی» با استقبال کم نظیری مواجه شده است، ارزیابی شما از علت این استقبال چیست؟

طبق سنت حوزه های علمی شیعه، اگر عالمی هم چون ملا عبدالله توانسته باشد اثری را به رشته تحریر در بیاورد که در طی چندین قرن، رایج ترین کتاب منطقی در سطح خود در میان حوزه های شیعی و حتی بعضاً حوزه های غیر شیعی باشد، نشانه مثبت بودن آن اثر است.

از جمله شرایط مثبت حاشیه، می توان به پرهیز از عبارت پردازی های بی جا و خسته کننده، قلم روان و شیوا، تسلط مؤلف بر مباحث منطق و نحوه انتقال آن به مخاطب اشاره کرد. به باور بنده، وجود این ویژگی ها سبب شده است که این اثر فاخر مورد استقبال جامعه علمی قرار گیرد.

آیة الله سید مهدی خراسان

ضرورت تحقیق درباره ویژگی ها و موقعیت ممتاز ملا عبدالله



آیة الله سید مهدی خراسان در دیدار هیئت اعزامی کنگره بزرگداشت ملا عبدالله بهابادی، به جایگاه بلند ملا عبدالله در حوزه علمیه پرداخت و خاطرنشان ساخت: آنچه که شهرت دارد و منابع قابل اعتنا به آن اشاره دارد، این است که ملا عبدالله یزدی، صاحب حاشیه و ایرانی الاصل است و شاهان صفویه ایشان را از ایران به صدارت و خزانه داری و نقابت نجف و حرم امیرالمومنین علیه السلام منصوب کرده اند.

وی افزود: ملا عبدالله دارای ویژگی هایی بوده که به این مهم برگزیده شده؛ پس شایسته است در این باره تحقیقی صورت گیرد. این موقعیت ممتاز موجب شد پس از ارتحال ایشان مسئولیت خزانه داری و تولید حرم علوی به دست فرزندان ایشان بیافتد که تا زمان ملا یوسف در نجف ادامه داشت؛ اما بعدها بین ملا یوسف و مرحوم شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء اختلافاتی به وجود آمد و ملا یوسف، ناچار شد برای حفظ وحدت و آرامش نجف، همراه خانواده به خانونس (شهرک حیدریه) که بین نجف و کربلا است، هجرت کند.

آیة الله خراسان در پایان، منابعی را برای کسب اطلاعات بیشتر، نام برد.

گفتنی است، آیة الله سید مهدی خراسان یکی از معتمدترین شخصیت های تراث شیعی و نسب شناس متبحری است که اقوال و نظرات ایشان مورد توجه و استناد مورخان و نسب شناسان است.

همکاری گروه فلسفه دانشگاه اصفهان با دبیرخانه کنگره بین المللی علامه ملا عبدالله بهابادی

علمی متشکل از اساتید دانشگاه اصفهان و شیراز به منصف ظهور رساند. لازم است در این کمیته بررسی گردد که چه نشست هایی با چه موضوعاتی و چه مقالاتی با چه عناوینی و توسط چه کسانی نگاشته شود.

وی در ادامه از حجة الاسلام والمسلمین قاسم کاکایی نام برد که به صورت تخصصی در مکتب شیراز مطالعاتی داشته و در این حوزه دارای کتاب و مقالات است و می توان از تجربیات وی در این کمیته بهره برد.

رئیس گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، پیشنهاد کرد به دلیل نزدیکی استان قم و شهر شیراز به اصفهان، این کمیته در اصفهان مستقر باشد و از ظرفیت صدا و سیمای اصفهان نیز بهره گرفته شود.



اعضای دبیرخانه کنگره بین المللی ملا عبدالله بهابادی، با رئیس گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان دیدار کردند.

در ابتدای این دیدار، حسن عبدی پور خاطرنشان ساخت: با توجه به این که مرحوم ملا عبدالله، عمده وقت خود را در اصفهان و شیراز سپری کرده است، از این رو می توان از

ظرفیت این دو مکتب برای معرفی هرچه بیشتر این شخصیت بهره لازم را برد. پس باید مکتب فلسفی شیراز و اصفهان مورد مطالعه قرار گرفته و نقش ملا عبدالله در ترویج و تقویت آن مورد واکاوی علمی قرار گیرد.

در ادامه این دیدار، دکتر علی کرباسی زاده اصفهانی رئیس گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی اظهار داشت: مکتب شیراز و اصفهان ظرفیت بسیار بزرگی است و می توان این ظرفیت را با تشکیل کمیته

هم سویی نظرات کلامی ملا عبدالله بهابادی با خواجه نصیر و مکتب حله

و جدلی محتاج منطق بوده‌اند. حتی کسی مثل غزالی که فلسفه ستیز معروفی است، خود را از منطق بی‌نیاز نمی‌داند و رساله‌هایی هم در منطق تدارک دیده است. اما در مورد این‌که ملاصدرا از نظرات ملا عبدالله بهابادی بزدی سخنی گفته باشد، طبق اطلاع بنده به صورت صریح نامی از ملا عبدالله و آرای وی در کتب فلسفی خودش نیآورده است. اما در همین رساله‌های منطقی موجز و اندک ملاصدرا مانند التفتیح، گاه اشکالاتی را بر محتوا یا ساختار منطق رایج وارد می‌کند که همان اشکالات را ملا عبدالله نیز وارد کرده است. این‌که آیا این اشکالات را از رساله‌های ملا عبدالله گرفته یا توارد و هم‌رایی بوده است؛ در هر دو صورت باعث فخر ملا عبدالله بزدی است. شاید بد نباشد بدانید منطق با این‌که قبض و بسط خاصی در تمدن ما نداشته، ولی ابن سینا مدعی منطق مشرقی‌ها و حکمت مشرقی‌ها است و ما در مکتب شیراز می‌بینیم گرایش‌های فلسفی و گاه منطقی به سوی اشراق و حکمت متعالیه وجود دارد. حتی میرداماد که در نگاه رسمی یک فیلسوف مشایی است، از اشراقیات خالی نیست و تخلص شعری‌اش هم اشراق است و برخی اساتید وی متأثر از مکتب شیراز بوده‌اند. ملاصدرا هم در همان رساله التفتیح، بخش‌ها را با عنوان لمعه و اشراق می‌آورد و این‌ها تا اندازه‌ای به سبب تأثر از مکتب شیراز است.



برخی مباحث تجرید که مورد نزاع بین شارحین تجرید بوده، مثل مقوله جواهر و اعراض و میحث علم، حاشیه و شرح نوشته است و اتفاقاً رنگ فلسفی بودن نظرات کلامی‌اش در این دست آثار موضوع محور پررنگ تر است.

■ آیا منطق ملا عبدالله باعث جهش منطق سینوی شده است؟ و آیا ملاصدرا از نظرات ملا عبدالله در کتب خودش سخن گفته است؟ به نظر بنده باعث جهش نشده، چون نیازی به جهش نبوده است. منطق رایج مسلمانان همان منطق سینوی بوده و هست. این منطق بیش از هر کس برای فلاسفه و متکلمین کاربرد داشته است؛ فلاسفه از این جهت که منطق را مدخل و مقدمه‌ای برای فلسفه می‌دیده‌اند و متکلمین از این رو که در بحث‌های کلامی

مکتب کلامی شیراز قرار دارد، ولی به باور بنده، از جهت رویکرد محتوایی در ذیل مکتب خواجه نصیرالدین طوسی قرار دارد.

■ چرا نظرات کلامی ملا عبدالله بهابادی به مکتب بغداد و شیخ مفید، نزدیک نیست، اما با مکتب خواجه و مکتب حله هم‌خوانی و هم‌سوئی دارد؟

مشرب کلامی ملا عبدالله بزدی به یک معنا مشرب کسی است که در مکتب کلامی خواجه ذوب شده است. یعنی اصلاً نباید بگوییم کلام ملا عبدالله نزدیک به مکتب کلامی خواجه است، بلکه باید گفت که مشرب کلامی وی زیرمجموعه مکتب کلامی خواجه به شمار می‌رود. نگاهی به تألیفات ملا عبدالله هم همین را اثبات می‌کند. قوشچی که سنی متعصبی است، یکی از معروف‌ترین شروح بر تجرید الاعتقاد خواجه را نوشته است. علامه دوانی بر شرح قوشچی حواشی متعددی نوشته و ملا عبدالله بر دو حاشیه دوانی، حاشیه نوشته است. مباحثی که وی وارد شده همان اصول پنج‌گانه مذهب شیعه از جمله امامت و عدل است و بر اساس مبانی خواجه نصیری رد عقاید و نظریات قوشچی می‌رود و گاه هم که نظرات استاد استادش یعنی دوانی را رد می‌کند، به این علت است که دوانی قبل از ظهور صفویه بسیاری از آثارش را نوشته و در آن‌ها تقیه کرده و مذهب تشیع خودش را آشکار نکرده است. ملا عبدالله علاوه بر توضیح یاد شده که نسخه‌هایش هم موجود است، بر

■ مرحوم ملا عبدالله بهابادی را در چه گروه و نحله مهم کلامی می‌توان قرار داد؟

با مروری بر تاریخ اسلام این حقیقت به خوبی آشکار می‌شود که هرگاه علوم عقلی، استدلالی به‌ویژه علم کلام و در پی آن متکلمان، در جایگاه حقیقی خود قرار گرفته، به ایفای نقش پرداختند، دین و معارف دینی رونق یافت و مؤمنان و دین‌داران از آسیب‌های شبهه، تردید و ابهام برکنار شدند یا کم‌تر در معرض این‌گونه آسیب‌ها قرار گرفتند و در نتیجه متدینان از نشاط روحی و اطمینان قلبی برآمده از ایمان مستحکم دینی برخوردار گردیدند. در یک نگاه کلی می‌توان کلام را به این صورت تعریف کرد: «علمی است که درباره اصول عقاید دینی به ویژه خداشناسی و توحید بحث می‌کند و با استفاده از روش‌های مختلف استدلال به اثبات آن‌ها و پاسخ‌گویی به شبهات و اعتراضات مخالفان می‌پردازد.»

طبق این تعریف، شاخه اصلی دفاع از مذهب، تا پیش از دوران غیبت صغری، در مدینه و کوفه و مدتی در خراسان برقرار بوده، بعدها مکتب کلامی بغداد قوت می‌گیرد و در کنار آن، مکتب ری و اصفهان هم فعال می‌شوند. با هجرت شیخ طوسی رحمته‌الله به نجف، مکتب نجف هم فعال شده و در زمان خواجه نصیرالدین طوسی رحمته‌الله که به کلام رنگ فلسفه داد، مکتب خواجه گسترش می‌یابد. بعدها مکتب حله و نهایتاً مکتب شیراز را می‌بینیم. ملا عبدالله رحمته‌الله از حیث زمانی و مکانی در

دیدار با مسئولان دانشگاه کوفه



رئیس دانشکده ادبیات، درباره دوران حکمرانی آل ماللی به تفصیل سخن گفت و به مشکلات اواخر حکمرانی، تولید در نجف اشرف و حرم علوی در عصر علامه شیخ جعفر کاشف‌الغطاء اشاره کرد که مقارن با تحولات و هجوم وهابیان به نجف بوده است. در پایان جلسه مقرر شد، فراخوان کنگره پس از اصلاح و تمدید زمان ارسال مقالات به دانشگاه کوفه ارسال گردد تا بر اساس محورهای فراخوان، کارشناسان رشته‌های مربوط، مقالات خود را ارائه کنند. گفتنی است هیئت اعزامی به سرپرستی دکتر حسن عبدی پور و حجة الاسلام مصطفی هروی، مشارکت جدی دانشگاه کوفه در تألیف مقالات و برگزاری کنگره را خواستار شدند و اظهار داشتند که شایسته است به پاس خدمات این عالم جلیل‌القدر، دانشگاه کوفه با همکاری عتبه علویه، یک همایش مستقل در نجف اشرف برگزار کنند.



هیئت اعزامی کنگره علامه ملا عبدالله بهابادی، با مسئولان دانشگاه کوفه دیدار کرد. این هیئت ابتدا مورد استقبال دکتر حیدر السهلاوی، مدیر اداری و حقوقی دانشگاه کوفه قرار گرفت و رئیس دانشگاه، دکتر عقیل نیز در جلسه مسئولان این دانشگاه با هیئت اعزامی، همکاری و مساعدت دانشگاه کوفه را مایه مسرت دانست و قول مساعد داد، دانشگاه کوفه که یکی از دانشگاه‌های بزرگ و مادر در عراق است، با تمام ظرفیت خود با دبیرخانه کنگره علامه ملا عبدالله بهابادی همکاری کند. همچنین در ادامه، نماینده دانشگاه در یونسکو و رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دیگر مسئولان گروه‌های دانشکده در جلسه حضور یافتند و مباحث مهمی پیرامون شخصیت علمی و سیاسی علامه مطرح گردید. در همین راستا دکتر عقیل عبدالزهره مبدرا الحاقانی،

سیره عملی و علمی ملا عبدالله

در یک کتاب

کتاب «بررسی و تحلیل سیره علمی و عملی علامه ملا عبدالله بهابادی بزدی (ره)» در پاییز ۱۳۹۴ منتشر شد.

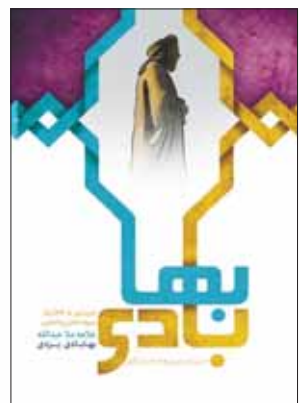
این کتاب که به قلم دکتر حسن عبدی پور است، در چهار فصل، تدوین شده:

فصل اول، گذری کوتاه بر زندگی علامه ملا عبدالله بهابادی بزدی، که به معرفی ملا عبدالله، اساتید، شاگردان و آثار ایشان پرداخته است.

فصل دوم، به تحلیل و بررسی سلسله صفویه و جایگاه علما در تقویت آن پرداخته و علل همگرایی علمای شیعه به‌ویژه ملا عبدالله بهابادی را بررسی کرده است.

فصل سوم، با واکاوی سیره سیاسی، اجتماعی ملا عبدالله، نقش ایشان در مبارزه با جریان اخباری‌گری در نیمه دوم قرن دهم را بحث کرده است.

نقش منطق در پیش برد تمدن اسلامی، موضوع این فصل است که در ضمن آن مباحثی همچون سیره علمی اخلاقی، علل تألیف حاشیه ملا عبدالله، ویژگی‌های آن و مقایسه حاشیه ملا عبدالله با منطق مظفر به بحث گذاشته شده است. فصل چهارم، اندیشه علمی عملی ملا عبدالله را بحث کرده، سپس آثاری را به صورت مبسوط، معرفی کرده است.



اوضاع سیاسی عصر ملاعبدالله و دلایل نزدیکی ایشان به صفویه

بازدید از کتابخانه‌های عراق



هیات اعزامی کنگره ملاعبدالله بهابادی به عراق، از کتابخانه‌های امیرالمومنین علیه السلام (علامه امینی)؛ موسسه کاشف الغطاء العامه (به ریاست دکتر شیخ عباس کاشف الغطاء)؛ کتابخانه کاشف الغطاء العامه (به ریاست شیخ شریف کاشف الغطاء)؛ کتابخانه آیه الله حکیم؛ کتابخانه عتبه امام حسین علیه السلام؛ بازدید نموده و نسخ خطی مرتبط با ملاعبدالله بهابادی را رؤیت کردند.

نسخه‌های موجود در این مراکز، به شرح زیر است که برخی به هیئت اعزامی تحویل داده شد و برخی دیگر نیز پس از نسخه برداری به دبیرخانه کنگره ارسال خواهد گشت:

۱. حاشیه الخطایی؛ ۲. حاشیه شرح شمسیه؛ ۳. المختصر التفتازانی؛ ۴. حاشیه تهذیب المنطق؛ ۵. تحفته المنجمین؛ ۶. حاشیه ارشاد الاذهان؛ ۷. حاشیه شرح الوافی؛ ۸. حاشیه الاثوار التنزیل؛ ۹. حاشیه التهذیب؛ ۱۰. حاشیه الشرح المختصر تلخیص المفتاح؛ ۱۱. حاشیه حاشیه الشرح المطول تلخیص المفتاح؛ ۱۲. حاشیه برالقیه.

تأسف کرد. از جمله این اقدامات برخورد های ناشایست با برخی از بزرگان علوم معقول بود که در سر سلسله آن‌ها غیاث الدین منصور دشتکی قرار داشت. البته در ابتدای ورود محقق کرکی به ایران روابط بسیار خوبی بین ایشان و غیاث الدین منصور دشتکی برقرار بود، منتهی بعدها که نزاع بین علوم معقول و منقول پیش آمد، این روابط تحت تأثیر برخی مسایل دیگر قرار گرفت که در نتیجه این اختلاف‌ها غیاث الدین از منصب صدارت استعفا داده و به شیراز برگشت و تا آخر عمر خود به کار تألیف و تدریس پرداخت.



نسبت ملاعبدالله با مکتب شیراز و توسعه آن در عراق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پس از رحلت غیاث الدین منصور دشتکی فرزند بزرگ و وارث منصب علمی و کرسی درس صدرالدین محمد دشتکی (سیدسند)، به علل گوناگونی حوزه فلسفی شیراز از جوانب مختلف مورد فشار و بی‌مهری قرار گرفت و فضلا دانشمندان شیراز به جلالی وطن مجبور شدند. از جمله این علل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تحولات سیاسی اجتماعی؛ ۲. قوی تر شدن حکومت مرکزی صفویه؛ ۳. شروع اختلافات بین غیاث الدین منصور و دستگاه صفوی؛ ۴. ستیز برخی از درباریان نسبت به حکمت و فلسفه. با وجود تمامی این علل، مکتب فلسفی شیراز با این هجرت‌ها نه تنها از بین نرفت، بلکه در نقاط و سرزمین‌های دیگر گسترش یافت. شاگردان با واسطه و بی‌واسطه غیاث الدین منصور، هم چون ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه و دیگران، مکتب شیراز را که وارث حکمت اسلامی مشاء و اشراق بود در تمام مراکز علمی آن روز گسترش دادند.

گرچه شما قوی تر شدن حکومت مرکزی صفویه را یکی از عوامل پراکندگی مکتب شیراز، قلمداد کردید اما ملاعبدالله، از سوی همین حکومت، به منصب تولیت حرم علوی، منصوب می‌شود!

بله! پس از استقرار حکومت صفوی، شاهان صفوی برای تعلیم اصول و فروع مذهب امامی اثنی عشری و برای تقویت وجهه مذهبی خود ناچار بودند به سوی علمای بزرگ، دست یاری دراز کنند. برای اجرایی شدن این ایده، حکومت قصد داشت ابتدا از علمای بزرگ و صاحب نظر که در دسترس بودند، استفاده کند. به طور طبیعی به دلیل جایگاه رفیعی که غیاث الدین منصور دشتکی در شیراز داشت، انتظار می‌رفت حکومت صفوی برای عملیاتی شدن این ایده دست یاری به سمت ایشان دراز کند، اما بعدها بنا به دلایلی، حکومت صلاح را در این دید که این مسئله را به خارج مرزهای ایران به خصوص منطقه جبل عامل متوجه نماید. به همین منظور از محقق کرکی درخواست یاری کردند و محقق بنا به دلایلی درخواست آنان را استجابت کرد. بدین ترتیب با قدرت ظاهری که شاهان صفوی به محقق کرکی دادند و با توجه به این که ایشان اصالتاً اهل ایران نبود و با وضعیت سیاسی اجتماعی ایران چندان آشنایی نداشت، طبیعی بود که فرصت طلبان، دور ایشان را به عنوان مشاور گرفتند و با استفاده از قدرت قزلباش‌ها به اقداماتی دست زدند که محقق کرکی از آن اطلاعی نداشت و بعد از اطلاع از این رویدادها اظهار

ملاعبدالله بهابادی صاحب حاشیه، برخلاف استاد خود غیاث الدین منصور دشتکی، توانست راه تعامل با حکومت صفوی را برگزیند. این انتخاب صحیح ایشان و هم دوره‌های وی، موجب گشت مکتب شیراز از انزوا و نابودی بیرون آمده و در حوزه علمیه نجف تأثیرات شگرفی بگذارد. ملاعبدالله بعد از هجرت به نجف، علاوه بر تدریس علوم معقول، منصب خزانه‌داری حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام را هم برعهده گرفت.

پس شما این مهاجرت را به نوعی سیاست هوشمندانه ملاعبدالله بهابادی ارزیابی می‌کنید که به تکثیر مکتب شیراز منجر می‌شود. اما به نظرمی‌رسد با آن دعوی معقول و منقول که اشاره داشتید، مسئله اخباری‌گری هم کار خودش را انجام داده است.

ببینید! بعدها از دهه چهارم قرن یازدهم، حوزه علمیه نجف همانند دیگر حوزه‌های شیعه درگیر موضوع اخباری‌گری شد. بزرگ‌ترین تأثیر در این میان، محمدامین استرآبادی (متوفای ۱۰۳۳) داشت. مکتب اخباری، با شتاب، در نجف و دیگر مراکز علمی عراق و ایران و بحرین نفوذ و بیش تر فقیهان را به خود جذب کرد. دانش اصول فقه و اصولیان از جنبش اخباری لطمات بسیار خوردند و حوزه علمیه نجف نیز از این آسیب‌ها مصون نماند.

اما اقدامات ملاعبدالله و بزرگان دیگر، بستری را به وجود آورد تا با آمدن محمد مهدی بن مرتضی مشهور به بحر العلوم (متوفای ۱۲۱۲) از شاگردان وحید بهبهانی، حوزه نجف با پشت سر گذاشتن نامالیامات دوره اخباری‌گری، به دوره جدیدی گام نهاد.

این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که مجموعه انتقادهای دانشمندان اخباری و نیز میراث علمی آنان، به ویژه تلاش‌های آخرین فقیه نام بردار این جریان، شیخ یوسف بحرانی و کتاب مهم فقهی او «الحدائق الناضرة»، در بالندگی و شکوفایی این دوره جدید، تأثیر درخور توجهی داشته است.

بازدید از موسسه «احیای آثار اسلامی کاشف الغطاء» نجف

اقبال اهل سنت، روبرو شده است. دکتر کاشف الغطاء نقش سیاسی و اجتماعی علامه ملاعبدالله را بسیار برجسته دانست و گفت: خاندان ملاعبدالله نیز که پس از آن بزرگوار تولیت و مسئولیت خزانه‌داری را برعهده داشتند، هم‌اکنون در نجف، خاندان بزرگ و معروفی به شمار می‌آیند و همین مکان مؤسسه، منزل علامه بوده و مدرسه (مهدیه)



برگزارکنندگان کنگره بزرگ داشت علامه بهابادی، در ادامه برنامه‌های سفر به عراق، با حضور در مؤسسه احیای آثار اسلامی کاشف الغطاء، با مدیر این مؤسسه دیدار نموده و جریان فعالیت‌های آن قرار گرفتند. در جریان این بازدید، حجة الاسلام دکتر شیخ عباس کاشف الغطاء (مدیر مؤسسه) اظهار داشت: این مؤسسه در نجف

مجاور هم محل اموراداری بوده است. مدیر مؤسسه احیای آثار اسلامی کاشف الغطاء در پایان، ضمن اعلام همکاری مؤسسه با کنگره ملاعبدالله، اظهار داشت: یکی از مراکز مهمی که میتواند به کشف اسناد و مدارک و نسخ خطی آثار علامه کمک کند، کتابخانه سلیمانیه در استان بابل ترکیه است که اسناد مربوط به عراق در عصر خلافت عثمانی، در آنجا نگهداری می‌شود و حتماً مدارک و اسناد مهمی درباره دوران علامه و خاندان ایشان در آنجا وجود دارد.

تشیع را به نسل‌های امروز و جهان معاصر معرفی کند؛ چرا که خدمات علمی آنان منحصر به حوزه تشیع و فقه امامیه نبوده و اهل سنت و ادیان دیگر را نیز در برمی‌گیرد. مؤسسه احیای آثار اسلامی کاشف الغطاء تأکید کرد: براساس اسناد تاریخی، برخی از اندیشمندان شیعه، ناچار می‌شدند زبان و ادبیات دیگران را یاد بگیرند و با مطالعه در منابع اصلی ادیان، دیدگاه آنان را به دست آورند. وی خدمات علمی علامه ملاعبدالله بهابادی را به حوزه‌های تشیع، منحصر نداشت و تصریح کرد: آثار ادبی، بلاغی، کلامی و منطقی ملاعبدالله، با

اشرف، سالهاست که در زمینه تصویربرداری از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی عراق کار می‌کند و تاکنون از هزاران نسخه خطی تصویر گرفته، در قالب الواح فشرده و متعدد با بسته‌بندی جذاب و آراسته همراه با فهرست عناوین کتابها و مؤلفان، به مراکز تخصصی جهان اهدا کرده است. وی یکی از خدمات مهم مؤسسه کاشف الغطاء به کنگره‌های بزرگداشت و تکریم عالمان جهان تشیع را احیای نسخ خطی و چاپ کردن نسخه‌ها دانست و گفت: اگر کسی می‌خواهد به تشیع خدمت کند، باید مدرسه فکری علمای



ملا عبدالله بهابادی یزدی و تدریس «قانون» ابن سینا

دانشمندان بزرگی مثل ملاعبدالله

در تقویت و رشد تمدن اسلامی

نقش مثبتی ایفا کرده‌اند



■ از دیدگاه شما، ملاعبدالله یزدی دارای چه مقام علمی است؟

ملاعبدالله در عصر صفویه می‌زیست و استاد شیخ بهایی است. شیخ بهایی از سال ۹۶۵ به بعد در ایران حضور داشته است. اگر حضور ملاعبدالله یزدی را از سال ۹۶۷ در نجف بدانیم، شیخ بهایی در میان سال‌های ۹۶۵ تا ۹۶۷ نزد ملاعبدالله درس خوانده است. حال یا در قزوین یا در اصفهان. گرچه احتمال هم دارد که شیخ بعداً راهی نجف شده و در زمان حضور ملاعبدالله در نجف، سردرس وی حاضر شده باشد. در هر صورت شیخ در حاشیه تفسیر بیضاوی از ملاعبدالله به «علامه» تعبیر می‌کند و مقام علمی ملاعبدالله با این تعبیر روشن می‌شود. در حوزه‌ها ایشان را معمولاً با حاشیه بر تہذیب المنطق می‌شناسند ولی مقام ملاعبدالله فراتر از این حرف‌هاست.

■ به نظر شما منطق و حکمت در اجتهاد نقشی دارند؟

بنده علاوه بر مرحوم مظفر، نزد آیه الله سید عبدالاعلی سبزواری و مرحوم شیخ صدرا بادکوبه‌ای حکمت و فلسفه خوانده‌ام، نه این‌که حکمت ندیده باشم؛ ولی حکمت، نقش خاصی در اجتهاد ندارد و فقط منطق است که در بخش‌هایی از مسیر اجتهاد به درد فقیه می‌خورد.

■ نقش تمدنی علمای اسلام و آثار بزرگانی چون ملاعبدالله در دوره صفویه چیست؟

در عصر صفویه، تاریخ تمدن دارای برجستگی‌های خاص خودش است که معمولاً مورد کم‌لطفی و حتی بی‌مهری بعضی افراد واقع می‌شود. نقش دانش و دانشمندان به‌ویژه دانشمندان شیعه که به منبع بی‌انتهای علوم اهل بیت علیهم‌السلام متصل هستند، در تمدن اسلامی و فرهنگ شرق، یک نقش بی‌بدیل است. در زمان صفویه نیز دانشمندان بزرگ مذهب، مثل ملاعبدالله، با زحمات و تلاش‌های علمی خود و آثار علمی‌شان در تقویت و رشد تمدن نقش مثبتی ایفا کرده‌اند که باید حاصل زحمات‌شان را استخراج کرده و به مسلمانان و جهانیان شناساند.

کتاب علامه بهابادی در نگاه

صاحب‌نظران

کنگره بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی در راستای شناخت بیشتر فضلاء و اندیشوران حوزه و دانشگاه و به منظور آشنایی نسل جدید با آثار گران سنگ مرحوم علامه بهابادی، با فضلاء و اندیشمندان حوزه‌های مختلف، مصاحبه علمی کرده و دبیرخانه کنگره، مجموعه این مصاحبه‌ها را پس از ارزیابی و بازبینی، در قالب کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای تدوین و منتشر ساخته است.

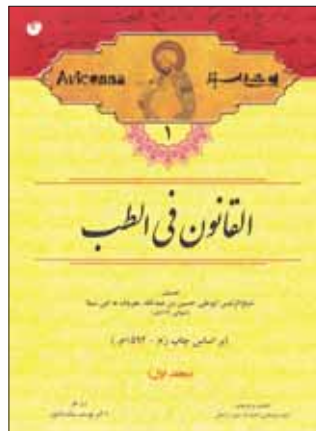
علمی‌اش تأثیر بسیاری از استادش ملاعبدالله یزدی دارد و همچون او شرحی بر قواعد، حاشیه‌ای بر حاشیه خطائیه، حاشیه‌ای بر انوار التنزیل، تفسیری بر سوره فاتحه و... نوشته است.

اما شیخ بهایی در علم طب نزد چه کسی درس خوانده است؟ و استاد او در این فن که بوده است؟ مرحوم ملاعبدالله افندی اصفهانی مطلبی را در این باره یاد می‌کند که علاوه بر مشخص نمودن یکی از اساتید طب شیخ بهایی، نکته‌ای

نویسنده از زندگی علمی ملاعبدالله بهابادی یزدی را برای ما روشن می‌کند. وی می‌نویسد که شیخ بهایی علم طب را نزد ملاعبدالله یزدی خوانده و از دانش وی در این علم بهره برده است. عبارت مرحوم افندی بدین صورت است: «صحیح البهائی فی بعض المواضع بأنه قرأ کلیات القانون وغیره علی المولی عبدالله الیزدی» (ریاض العلماء، ملاعبدالله افندی، ج ۵، ص ۹۵، چاپ قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی) یعنی: شیخ بهایی در برخی جاها تصریح فرموده که کلیات قانون بوعلی سینا و علوم دیگری را نزد ملا عبدالله یزدی خوانده است.

قانون بوعلی سینا متشکل از پنج کتاب است که مهم‌ترین بخش آن، کلیات می‌باشد، یعنی همان قسمتی که ملاعبدالله یزدی آن را به شیخ بهایی درس داده است. نظامی عروضی سمرقندی (از شاگردان خیام نیشابوری) در چهار مقاله پس از این‌که پیرامون برجستگی قانون می‌گوید: «اگر بقراط و جالینوس زنده شوند روا بود که پیش این کتاب سجده کنند»، می‌نویسد: «طبیعی مجلد اول از قانون بدانسته باشد و سن او به اربعین کشد، اهل اعتماد بود». منظور وی از مجلد اول قانون، همان کلیات قانون است که ابن سینا در آن از قوانین و قواعد کلی دانش پزشکی در دو بعد علمی و نظری سخن می‌گوید. رأیت أن أتکلم أوالفی الأمور العامة الکلیه فی کلا قسمی الطب، أعنی القسم النظری والقسم العملی. و با این‌که شرح بسیاری نظیر شرح ابو عبید جوزجانی، ابن رضوان، ابن نفیس، قطب‌الدین شیرازی، شیخ محمد بن محمود آملی، شیخ داوود انطاکی و... بر قانون نوشته شده، معمولاً قدرت شارح و مقام وی در دانش پزشکی را با بخش کلیات می‌سنجند و مدرسان مشهور طب نیز در صورت موفقیت در تدریس کلیات قانون، نام بردار می‌گشته‌اند. از این رو و با توجه به تدریس کلیات قانون توسط علامه بهابادی این شیخ‌العراقین عصر صفویه و دانشمند ذوالفنون، و بهره بردن بزرگانی چون شیخ بهایی از محضر او، عرصه دیگری از مقام علمی ملاعبدالله یزدی که از دانشمندان مطرح سده اول حوزه تمدنی صفویه است روشن می‌گردد و او را در کنار دوستش مرحوم میرفتح‌الله شیرازی (صاحب ترجمه قانون بوعلی سینا) باید از اطباء آن عصر و مدرسان علم طب برشمرد، بزرگانی که ضرورت بیشتر شناساندن آنان با انجام تحقیقات نو، انتشار آثار علمی آن‌ها و برپایی کنگره‌ها و نشست‌های علمی درباره‌شان، ضرورتی غیر قابل اجتناب است و به دست اندرکاران این دست‌آموز از جمله دبیرخانه بزرگداشت علامه بهابادی و دبیر علمی محترم آن باید دست مریزاد گفت و تلاش آنان را تحسین نمود.

دکتر عظیم عابدینی
مؤلف کتاب «حیات علمی در عصر ملاعبدالله بهابادی یزدی»



حوزه تمدنی صفویه از مقاطع مهم زمانی تاریخ تمدن اسلامی است که کمتر بدان توجه می‌گردد و حتی در مواردی علیه آن و مذمت سیر تکاملی عوام در آن سخن گفته می‌شود. این حوزه تمدنی، امتداد حوزه تمدنی عصر خواجه نصیرالدین طوسی است و به‌ویژه قرن اول آن یعنی سده دهم شاخص‌ترین مقطع زمانی این حوزه ۲۳۰ ساله محسوب می‌شود. به عبارت دیگر اگر از برخی جهش‌ها چون حکمت

متعالیه صدرایی که در نیمه اول قرن یازدهم تکوین یافته، چشم بیوشیم؛ مهم‌ترین مقطع زمانی حوزه تمدنی یاد شده همین مقطع زمانی قرن دهم است که ملاعبدالله بهابادی یزدی نیز در همین مقطع خاص و درخشان می‌زیست و از افراد موثر در رونق حیات علمی در آن روزگار محسوب می‌شد.

جدای از مذمت‌های غیر منصفانه‌ای که توسط افرادی چون ادوارد براون، محمد قزوینی، محمد تقی بهار، ذبیح‌الله صفا، عباس اقبال آشتیانی و تابعان این دست افراد از مجموع حوزه تمدنی صفویه و علوم رایج در آن صورت گرفته و می‌گیرد، یکی از دلایل ناشناخته ماندن یا دست کم، کمتر شناخته شدن این حوزه تمدنی به‌ویژه سده اول آن، ایجاد مکتب اخباری‌گری در ابتدای قرن یازدهم و تسلط آن در میانه قرن مذکور تا انقراض صفویه در مجامع علمی ایران بوده است. ایجاد و تسلطی که موجب کم‌اعتنایی به پیشرفت‌های علمی سده دهم و آثار علمی و تلاش‌ها و فعالیت‌های بزرگانی چون ملاعبدالله یزدی شده است و عدم انتشار آثار بزرگان این قرن و فقدان تحقیقات کافی پیرامون اقالیم مختلف حیات علمی در آن عصر، از عوامل تشدیدکننده ناشناختگی آن دوره از حوزه تمدنی عصر صفوی شده است.

علم طب و دانش پزشکی چنان‌که نزد اهل فن روشن است، در حوزه تمدن اسلام رشد چشم‌گیری یافت و آثار علمی بسیاری در این علم تولید گشت. معروف‌ترین طبیب تاریخ تمدن اسلام و مشهورترین اثر طبی تاریخ اسلام، ابن سینا و کتاب قانون ایشان است. اگرچه پزشکان و آثار پزشکی دیگری هم بوده‌اند که مزیت‌هایی بر ابن سینا و قانونش داشته‌اند، ولی در مجموع ابن سینا و قانون او شاخص‌ترین نمادهای پزشکی تاریخ تمدن اسلامی است و تأثیر بسیاری بر علم طلب در ادوار بعد تا زمان ما در شرق و غرب نهاده است.

در عصر صفویه جنبش علمی مهم علم پزشکی در هند جریان داشته است، ولی این به معنای نبود فعالیت‌های مرتبط با دانش پزشکی اعم از تدریس، تألیف و تحقیق در این زمینه در مناطق تحت حاکمیت حکومت صفویه نیست. از شخصیت‌های متبحر در دانش پزشکی در عصر صفویه می‌توان از حکیم شفایی اصفهانی و شیخ بهایی یاد کرد. به غیر از ملاصدرا که شاخص‌ترین شخصیت فلسفی عصر صفویه است، در مجموع وقتی از شاخص‌ترین دانشمندان عصر صفوی سخن گفته می‌شود شیخ بهاء‌الدین عاملی لبنانی معروف به شیخ بهایی در اذهان خطور می‌کند. دانشمند ذوالفنون که شهرتی جهانی دارد و در علوم مختلف دارای نظریات و آثار ارزنده‌ای است. کسی که در سیره

ملا عبدالله یزدی، جامع المعقول والمنقول بود

■ شخصیت علمی ملا عبدالله یزدی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ملا عبدالله یزدی، جامع المعقول والمنقول بوده است. این را نه از روی مطالب شرح حال نویسان، که از نگاه اساتید ذوالفنونی چون علامه شعرانی و علامه طباطبایی دریافته‌ام. علاوه بر آن با آثار خطی ایشان هم آشنا هستم و از علمیت و توان بالای علمی ایشان اطلاع دارم. ملا عبدالله از دانشمندان بزرگ قرن دهم است که به هزار تأسف، مقامش چنان‌که باید، شناخته نشده است. مثلاً رساله‌ای در بلاغت از ایشان دیده‌ام که نشان‌گر توانایی علمی وی در علوم بلاغی است در حالی که ایشان را یک عالم بلاغت دان نمی‌شناسند! همین‌طور است در فلسفه و ریاضی و فقه و اصول و حدیث و تفسیر.

■ به نظرمی‌رسد از قرن یازدهم و دوازدهم، چنین شخصیت‌های جامعی میان علمای یزد، وجود داشته‌اند؟

بله! البته با این‌که قبل از عصر صفویه در نقاط بسیاری از ایران، شیعیان حضور داشته‌اند و حتی برخی شهرها قبل از صفویه، کاملاً شیعه بوده‌اند و یزد نیز از مناطقی است که پیشینه تشیع آن به قبل از عصر صفوی برمی‌گردد، ولی از عصر صفوی به بعد تمامیت ارضی منطقه، شیعه می‌شوند. در نتیجه شمار عالمان یزدی هم



بیش از سابق می‌شود، تا این‌که در قرن ۱۰ و ۱۱ آغاز جهش علمی منطقه یزد از حیث کثرت عالمان شیعی را شاهد هستیم.

شما به طبقات الاعلام شیخ بزرگوار علامه تهرانی بنگرید و ببینید چه تعداد عالم یزدی، تفتی، اردکانی و میندی در این دو قرن از یزد برخاسته‌اند. نکته جالب توجه این‌که ریاضی‌دانان بزرگ شیعه در این قرن اغلب یزدی بوده‌اند! مرحوم تهرانی هم این را دارد که اهالی یزد به ریاضیات توجه خاصی داشته‌اند. می‌دانید که شیخ بهایی، عالم و ریاضی‌دان بزرگ، علاوه بر این‌که نزد ملا عبدالله یزدی منطق و فلسفه را خوانده، نزد علامه محمدباقر یزدی هم درس خوانده است. این دانشمند یزدی در چند نسل بعد هم تباری ریاضی‌دان داشته است که البته ریاضیات هم جزو فلسفه است.

■ ملا عبدالله را از نظر معنوی و اخلاقی چطور می‌شناسید؟

بنده از مرحوم حضرت آیه‌الله بهاء‌الدینی رحمته‌الله که خود عارفی بزرگ بودند و امام راحل رضوان‌الله‌علیه حوزویان را به درس اخلاق ایشان ارجاع می‌دادند، شنیدم که می‌فرمود: ملا عبدالله یزدی انسانی عارف و مهذب و دارای معنویات و سلوک است. مرحوم بهاء‌الدینی با نگاه عرفانی و دیده باطن شناس خود این سخن را می‌فرمود.

خاندان ملالی، بیش از دو قرن

کانون توجهات مردم و نخبگان عراق، ایران و عثمانی بوده‌اند

از روند امور علمی ارابه دادند. آن‌گاه دکتر سیدحسن عیسی‌الحکیم مدیر موسسه تراث النجفی، به بازگویی تاریخچه فعالیت‌های موسسه و پروژه‌های اجرا شده و در دست اقدام این موسسه پرداخت. وی در همین راستا به تبیین فلسفه نگارش «موسوعه المفصل» اشاره کرد و اظهار داشت: این موسوعه به چهل و چهار جلد رسیده و یکی از اهداف این اثر پرداختن به تاریخ نجف و شرح حال علما، شخصیت‌های علمی و خاندان‌ها و نیز تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نجفی است.

دکتر حکیم افزود: این موسوعه تلاش دارد به احوال و سرنوشت شخصیت‌های تأثیرگذار که به دلایل سیاسی، اجتماعی از بلاد دیگر مانند عثمانیه، ایران و لبنان به نجف آمده‌اند، بپردازد. یکی از خاندان‌های مهم و تأثیرگذار در روند امور سیاسی اجتماعی شهر نجف اشرف علامه ملا عبدالله یزدی و خاندان ایشان است که معروف به خاندان ملالی هستند. خاندان ملالی به دلیل مسئولیت اجرایی نجف و تولیت حرم حضرت علی علیه السلام بیش از دو قرن کانون توجهات مردم و نخبگان عراق، ایران و دولت عثمانی بوده‌اند و تاکنون نیز در نجف به سر می‌برند.



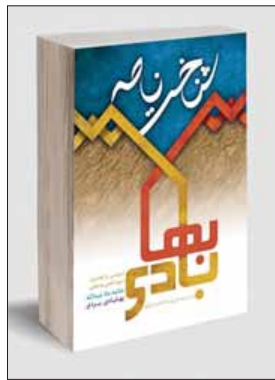
هیئت کنگره بین‌المللی علامه بهابادی و تعدادی از اعضای علمی، در سفر تحقیقاتی و هماهنگی خود به عراق و بازدید از مراکز علمی و شخصیت‌های دینی کربلای معلی و نجف اشرف، از موسسه تراث النجفی دیدار کردند. در این دیدار، ابتدا دبیر و مسئول امور بین‌الملل کنگره، گزارشی

شناخت‌نامه

علامه بهابادی رحمته‌الله

به زودی

منتشر می‌شود



کنگره بزرگداشت علامه میرزا عبدالله بهابادی یزدی، شناخت‌نامه این عالم ربانی را آماده چاپ کرده است. عنوان فرعی این کتاب «نخستین خزانه دار حرم علوی در دوره صفوی» است.

این کتاب در پنج فصل، سامان یافته و با روزشمار زندگانی و گزارش سیر تاریخی آثار میرزا عبدالله یزدی آغاز می‌شود.

دو نوشتار کوتاه درباره «بهاباد» محل تولد میرزا عبدالله یزدی و محل سدان و خزانه‌داری وی «نجف اشرف»، موقعیت تاریخی این دو شهر را به تصویر می‌کشد.

شرح حال میرزا عبدالله یزدی به نقل از کتاب گلشن ابرار و نوشتاری درباره خاندان میرزا (بیت ملالی) که نامداران و خزانه‌داران این خاندان را در طول حدود دویست سال می‌شناساند، دیگر بخش‌های این شناخت‌نامه را تشکیل می‌دهد.

حاشیه‌نویسی ملا عبدالله بر کتب علمای پیشین و دلایل این حاشیه‌نویسی در مقالاتی دیگر بررسی شده که در واقع، مقدمه‌ای بر آثار میرزا عبدالله به شمار می‌رود؛ چرا که بسیاری از آثار این دانشمند، حاشیه بر کتب پیشینیان است.

حاشیه تهذیب المنطق و دیگر آثار میرزا عبدالله، مقاله‌ای است که به معرفی تفصیلی حاشیه‌های چهارگانه میرزا عبدالله بر تهذیب المنطق تفتازانی پرداخته و سپس دیگر آثار ایشان را شناسانده است.

«ملا عبدالله در آثار دیگر علما»، نوشتار دیگری است که آن‌چه کتاب‌های تراجم و شرح حال‌نگاران درباره این دانشمند برجسته و خزانه‌دار حرم علوی نگاشته‌اند را نقل کرده است.

مآخذشناسی کتب و مقالات درباره علامه میرزا عبدالله یزدی، نمایه و فهرس فنی و درج تصاویری از نسخ خطی آثار میرزا عبدالله پایان‌بخش این شناخت‌نامه است؛ به‌ویژه نمونه‌ای از حاشیه‌نویسی میرزا عبدالله بر «شرح نظام‌الدین عثمان خطائی» بر تلخیص المفتاح اثر خطیب دمشقی که بخش معانی کتاب مفتاح‌العلوم سکاکی را تلخیص کرده است.

جدیدترین اخبار و رویدادهای حوزه‌های علمی کشور در

حوزه نیوز

www.hawzahnews.com

تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲۹۰۱۵۲۴



جلوه‌های ادبیات و بلاغت

در تفسیر ملا عبدالله

سپاس و امتنان!



دبیرخانه کنگره بین‌المللی علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی رحمته لازم می‌داند از زحمات حضرت حجة الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی، نماینده تام‌الاختیار حضرت آية الله العظمی سیستانی و حجة الاسلام والمسلمین مهدوی مهرجانشین ریاست جامعه المصطفی در فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای سفر هیات اعزامی دبیرخانه به عراق، تشکر و قدردانی را داشته باشد.

گفتنی است این هیات در طول یک هفته، ملاقات‌هایی با حضرات آیات عظام، حکیم، بشیرنجفی، فیاض، خراسان و دیدارهایی از دانشگاه کوفه، کتابخانه امیرالمومنین علیه السلام (علامه امینی)؛ موسسه کاشف‌الغطاء العامه (دکتر شیخ عباس کاشف‌الغطاء)؛ کتابخانه کاشف‌الغطاء العامه (شیخ شریف کاشف‌الغطاء)؛ کتابخانه آية الله حکیم؛ کتابخانه عتبه امام حسین علیه السلام و موسسه تراث النجفی داشته، به تبادل نظر و بررسی منابع موجود بپردازند.

در این نهادها و کتابخانه‌ها، نسخه‌های خطی ذیل یافت شد:

۱. حاشیه الخطایی؛
 ۲. حاشیه شرح شمسیه؛
 ۳. المختصر التفتازانی؛
 ۴. حاشیه تهذیب المنطق؛
 ۵. تحفۃ المنجمین؛
 ۶. حاشیه ارشاد الأذهان؛
 ۷. حاشیه شرح الوافیة؛
 ۸. حاشیه الأنوار التنزیل؛
 ۹. حاشیه التهذیب؛
 ۱۰. حاشیه الشرح المختصر لتلخیص المفتاح؛
 ۱۱. حاشیه حاشیه الشرح المطول لتلخیص المفتاح؛
 ۱۲. حاشیه برالفیه.
- برخی از این آثار به هیات اعزامی، تحویل داده شد و برخی دیگر پس از نسخه برداری به دبیرخانه کنگره ارسال خواهد شد.

■ آقای علی عباسپورا
شما مقاله‌ای درباره تفسیر
درة المعانی در دست تألیف
دارید. تا کنون این تفسیر را
چگونه یافتید؟



یکی از آثار تفسیری
ملاعبدالله تفسیر درة المعانی
است. این اثر تک‌نگاشته‌ای در تفسیر سوره مبارکه
حمد و اخلاص است که به درخواست یکی
از حکام خوزستان، به قلم ملاعبدالله بهابادی
یزدی نگاشته شده است. این تفسیر به نظر بنده
در ردیف تفاسیر ادبی قرآن قرار دارد. البته مباحث
اجتهادی عقلی نیز لایه لای مطالب مطرح شده
است، اما وجه غالب آن، مباحث ادبی بلاغی
قرآن است.

با کمترین تأمل در این اثر قرآنی، می‌توان
به تبحر و مهارت اجتهادی مرحوم ملاعبدالله
بهابادی یزدی در علوم ادبی صرف، نحو، قرائت
و بلاغت پی برد. در واقع ایشان در کنار فقاہت و
حکمت، ادیبی متبحر و صاحب نظر نیز بوده‌اند.
دیگر این که، رویکرد مرحوم ملاعبدالله در
سوره حمد، با سوره اخلاص متفاوت است.
رویکرد حاکم بر سوره حمد، ادبی، بلاغی و
رویکرد حاکم بر سوره توحید روایی کلامی است.
به ویژه بحث‌هایی که ذیل مبحث معنی السوره،
حقیقت توحید و خاتمه مورد توجه بوده است.

■ نوع مباحث تفسیری علامه بهابادی در این
کتاب چگونه است؟

درباره سوره مبارکه حمد، باید ابتدا بگویم که
واجب بودن خواندن سوره حمد در نمازهای یومیه
و همچنین معارف والای اخلاقی، اجتماعی،
عرفانی مندرج در آیات این سوره، باعث شده هم
در علم فقه و هم در اخلاق و عرفان اسلامی، باب
ویژه‌ای به این سوره کم‌آیه، اما پر بار اختصاص
داده شود. هم‌چنین مفسران قرآن کریم نیز نگاهی
ویژه به این سوره داشته‌اند؛ به گونه‌ای که امروزه
ما میراث دار گنجینه کتاب‌شناسی تفسیر
سوره حمد هستیم که شامل صدها کتاب
به قلم عالمان بزرگ مسلمان با گرایش‌های
مختلف مذهبی و دیدگاه‌های گوناگون فکری در
جغرافیای متنوع است.

مرحوم ملاعبدالله ذیل آیه شریفه «الحمد لله
رب العالمین» اشاره‌ای به بحث «لام اختصاص»
کرده و می‌نویسد: هر نعمتی عطای اوست،
پس سپاس هر نعمتی مخصوص اوست،
گرچه واسطه‌ای هم در میان باشد، زیرا سپاس،
ذکر نعمت است و ذکر نعمت با ذکر احسان
نعمت‌دهنده است، وگرنه ذکر نعمت او نیست.
از این روی، سپاس نعمت، به خدا اختصاص
دارد و برای بیان این معنا، الله با لام اختصاص
آورده شده است.

هم‌چنین ذیل آیه شریفه «مالک يوم الدين»
به بیان قرائت‌های مختلف پرداخته و بنا بر هر
قرائت، ترکیب خاص آن قرائت را بیان می‌کند.

برای مثال می‌نویسد: کسی که مالک را به فتح
لام خوانده، در واقع آن را فعل ماضی قرار داده
است و به همین دلیل یوم را ظرف فعل ماضی
قرار داده است.

و یا ذیل آیه شریفه «ایاک نعبد و ایاک نستعین»
دو قاعده مهم ادبی را مورد بحث و بررسی قرار
داده است. یکی قاعده «تقدیم ما حقه التأخیر»
است که از آن حصر و اختصاص فهمیده
می‌شود. با این بیان که: تقدیم معمول بر عامل و
به عبارت دیگر، مقدم داشتن هر چیزی که باید
مؤخر باشد، دلیل بر حصر است. البته دلالت
بر حصر، زمانی است که تقدیم به سبب سجع
آیات و مانند آن نباشد، هر چند گاهی تقدیم،
حصر را نیز می‌رساند و در عین حال سجع آیات
قرآنی نیز مراعات شده است.

زمخشری و طبرسی و ملاعبدالله بهابادی
گفته‌اند: در آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» تقدیم
مفعول، به دلیل اختصاص است و معنای آیه
چنین است: «اختصاص می‌دهم تو را به عبادت
و اختصاص می‌دهم تو را به طلب کمک».

قاعده دیگری که در ذیل این آیه شریفه به
بحث از آن پرداخته است قاعده «التفات» است.
التفات آن است که انسان از حالت خطاب و
غیبت که در کلام خود دارد، به حالت دیگری
عدول کند؛ مثلاً در سوره حمد، جمله «ایاک
نعبد» خطاب است و «الحمد لله رب العالمین»
غیبت، زیرا اسماء ظواهر در حکم غایب هستند.
این‌گونه بازگشت از حالتی به حالت دیگر را
التفات می‌گویند؛ البته باید بازگشت از مساق
کلام به مساق دیگری باشد که منافات با حالت
اول ندارد.

■ در سوره مبارکه اخلاص، چه تفاوتی وجود
دارد که معتقدید رویکرد تفسیری ملاعبدالله، تغییر
کرده است؟

همان‌طوری که گفته شد، رویکرد غالب
تفسیری در این سوره، فلسفی روایی است؛ گرچه
نکات ادبی را نیز متذکر شده است. برای نمونه
عالمان نحوی تصریح کرده‌اند کاربرد ضمیر،
برای رعایت اختصار در کلام است، ولی گاه به
جای استفاده از ضمیر، باز هم اسم ظاهر به کار
می‌رود، تا تأکید را بفهماند.

سیوطی گفته است، هدف از این کار، تقریر
و تمکین بیشتر است؛ مثل «قل هو الله أحد».
الله الصمد». علاوه بر این «هو» ضمیر فصل است
که باز برای تأکید است. مرحوم ملاعبدالله نیز
بر این امر تأکید دارد و ذیل این آیه مینویسد: قل
فعل و فاعل، هو ضمیر شأن و مبتدا، الله مبتدای
دوم و واحد خبر الله. ملاعبدالله در این جا قاعده‌ای
را متذکر می‌شود و آن این‌که: زمانی که خبر،
مفسر مبتدا باشد، نیازی به عائد وجود ندارد و در
این جا نیز این‌گونه است.

این مطالب نحوی در قالب مقاله‌ای با عنوان
«جلوه‌های ادبی و بلاغی تفسیر درة المعانی»
نگاشته شده و به دبیرخانه ارسال خواهد شد.



کانال خبرگزاری حوزه
Telegram.me/Hawzahnews

ابعاد مختلف شخصیت علمی و معنوی ملاعبده الله به جامعه معرفی شود

در ابعاد مختلف تربیتی، اخلاقی و عرفانی این شخصیت والامقام، باید مقالات جداگانه‌ای نگاشته شود تا ابعاد مختلف ایشان برای جامعه معرفی گردد. در این جا لازم است اعتراف کنم ما در شناساندن بزرگان خود به جامعه کوتاهی کرده‌ایم. معرفی بزرگان دین به جوانان و نسل امروز بسیار ضروری است و جوانان باید بدانند که ما از چه سرمایه‌های عظیم و افتخاراتی برخورداریم. اگر این مفاخر به جوانان و مردم معرفی شوند؛ در آینده دیگر به فراموشی سپرده نخواهند شد. علاوه بر این یکی دیگر از کارهای مفید، چاپ آثار آن بزرگان است. به عقیده بنده هیچ خدمتی بالاتر از این نیست که انسان بتواند آثار گذشتگان را به خوبی حفظ و آن را به آیندگان و نسل جوان منتقل کند. نباید اجازه دهیم که این آثار از زشمند و گران بها از بین برود.

حوزه دانش، منطق است، این خود باعث شده از جنبه‌های دیگر ایشان غفلت شود. در حالی که ایشان دارای آثار متنوعی در حوزه‌های مختلف علوم هم چون تفسیر، فقه، اصول، فلسفه، منطق، کلام و بلاغت بوده و در آن حوزه‌ها تبحر داشت. وجود بزرگانی هم چون شیخ بهایی در ردیف شاگردان ایشان کاشف از این مدعی است.



هم چنان در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود.

■ علامه ملاعبده الله بهابادی در جامعه علمی بیشتر به عالمی منطقی مشهور است و حال این که ایشان آثار بسیار متنوعی در علوم هم چون تفسیر، کلام، بلاغت، فلسفه و حتی نجوم دارند. نظر شما چیست؟

بله! متأسفانه غالباً

این گونه است که هرگاه شخصیتی از جنبه‌های دیگر او شهرت پیدا می‌کند، از جنبه‌های دیگر او غفلت می‌شود. این مسئله نیز در خصوص ملاعبده الله بهابادی صدق می‌کند. از آن جا که معروف‌ترین اثر ملاعبده الله بهابادی در

■ نقش علما و بزرگانی هم چون ملاعبده الله بهابادی در تحکیم مبانی و ارزش‌های اسلامی چه حد بوده است؟

هویت‌زدایی و با هویت‌بخشی در جامعه با تدبیر و درایت علما و اندیشمندان محقق می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت بقای اسلام و حوزه‌های علمیه با وجود شخصیت‌های عالمی هم چون مرحوم علامه ملاعبده الله بهابادی یزیدی رحمته الله علیه بوده است. طلاب حوزه‌های علمیه نخستین بار با نام این فقیه منطقی با کتاب حاشیه ملاعبده الله آشنا می‌شوند؛ کتاب حاشیه بر منطق فتناتی یکی از کتاب‌های درسی بود که در حوزه‌های علمیه در علم منطق تدریس می‌شد و می‌توان گفت کتاب عمیقی در علم منطق است. این کتاب گران سنگ علی‌رغم قرن‌ها فاصله از زمان نگارش آن،

■ چه شاخص یا ویژگی در زندگی ملاعبده الله وجود دارد؟

از مهم‌ترین ویژگی‌های ملاعبده الله بهابادی می‌توان به اخلاص و زهد ایشان اشاره کرد. البته

مصاحبه با حجة الاسلام اصغر میرزابور

تحلیل روش تفسیری حکیم بهابادی



■ با توجه به این که در دوره صفویه تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور تثبیت شد، سیاست‌های این دولت در پیشبرد علوم اسلامی تا چه میزان در توجه بیشتر به دانش تفسیر قرآن، تأثیرگذار بوده است؟

علم تفسیر، مهم‌ترین رویکرد عالمانه به قرآن کریم است و از پیشینه دراز و کهن، در تاریخ اسلام برخوردار است. چنان‌که مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه در مقدمه تفسیر «المیزان» تأکید دارند این علم با نزول آیات قرآن هم‌زاد بوده است. بر اساس مستندات تاریخی، رویکرد به علوم دینی خصوصاً تفسیر در دوره صفویه به مثابه سنگ بنای تفکر مسلمانان و مهم‌ترین سرچشمه افکار و اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلامی حالت فزاینده‌ای به خود گرفت. می‌توان گفت تا پیش از رواج اخباری‌گری، رویکرد غالب بر تفسیر این دوره، فقهی بود، اما بعد از رواج اخباری‌گری این رویکرد «نقلی‌روایی» تغییر جهت می‌دهد. در هر صورت فضای اجتماعی فرهنگی دوران صفویه، موجب شکوفایی علم و دانش و ظهور دانشمندان در عرصه‌های مختلف علوم شد که شاهد این ادعا آثار مختلفی است که در زمینه‌های تفسیر حدیث و فلسفه نگاشته شد.

■ از جمله علمایی که در قرن دهم به تفسیر، ورود پیدا می‌کند، ملاعبده الله بهابادی است. درباره دانش تفسیر و تیلوران در آثار تفسیری ملاعبده الله چه نظری دارید؟

بر اساس مدارک موجود، گزارش سه اثر تفسیری «التجارة الراححة فی تفسیر السورة والفاتحة»، «حاشیه بر انوار التنزیل» و «درة المعانی فی تفسیر سورة الاخلاص والسبع المثانی» به ما رسیده است. از بین این سه اثر تفسیر درة المعانی تنها اثر تفسیری ملاعبده الله یزیدی است که به چاپ رسیده است. یکی از مباحث اساسی و مقدماتی تفسیر قرآن، مبحث روش‌های تفسیری است. روش تفسیری عبارت است از: مستند یا مستنداتی که مفسر بر اساس آن کلامی را که خود ساخته و پرداخته است به عنوان تفسیر کلام خدا و معنی و مقصود آیات الهی قلمداد می‌کند و تنها راه دستیابی کامل به مقصد قرآن را منحصر همان مستند یا مستندات می‌شمارد. بنده نیز در مقاله «تحلیل روش تفسیری ملاعبده الله بهابادی» به بررسی روش تفسیری ملاعبده الله بهابادی با تأکید بر کتاب «درة المعانی فی تفسیر السورة والفاتحة» پرداخته‌ام. ملاعبده الله در این اثر به شیوه عقلی اجتهادی، با تکیه بر منابع و مصادر متعدد به تفسیر سوره مبارکه «حمد» و «توحید» پرداخته است.

■ ویژگی‌های تفسیری ملاعبده الله کدام است؟

مهم‌ترین ویژگی روش تفسیری ملاعبده الله را بر اساس کتاب درة المعانی می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود: ۱. تجزیه و تحلیل معانی لغات؛ ۲. استفاده کردن از آیات و احادیث به منظور فهم صائب؛ ۳. توجه دقیق به مباحث ادبی و معناشناختی؛ ۴. توجه به بحث قرائات؛ ۵. بهره‌مندی از شأن نزول آیات؛ ۶. بیان دقیق و ظرایف آیات؛ ۷. دقت فراوان در تبیین مباحث.

منابع و مصادر تفسیری و لغوی ملاعبده الله کدام بوده است؟

با تأمل در کتاب درة المعانی می‌توان منابع و مصادر تفسیری ملاعبده الله را در تفسیر مجمع البیان، تفسیر کشف، تفسیر عیاشی، تفسیر معالم التنزیل، تفسیر انوار التنزیل و تفسیر بحر المحیط خلاصه کرد.

درباره منابع و مصادر لغوی ملاعبده الله در تفسیر درة المعانی نیز می‌شود از لسان العرب، الکتاب سیبویه و کتاب العین الخلیل بن أحمد نام برد.

حجة الاسلام والمسلمین سید محمد واعظ موسوی

سرمایه‌های بزرگ علمی و معنوی

افتخارات هر ملتی به شمار می‌روند

■ دانش منطقی چه جایگاهی در حوزه‌های علمیه دارد؟

دانش «منطق» از سه جهت در حوزه‌های علمیه مورد اهتمام طلاب و فضلاء بوده است: یکم این که علم «منطق» همچون دانش ادبیات عرب نسبت به بسیاری از علوم اسلامی جنبه مقدمی دارد؛ دوم این که بسیاری از قواعد منطق توسط فلاسفه اسلامی توسعه و تعمیق پیدا کرده است و سوم این که رسالت منطق باز داشتن ذهن از خطای در اندیشه است. این سه جهت جایگاه خطیر این دانش در علوم اسلامی انسانی را نمایان می‌کند.

■ حاشیه ملاعبده الله یزیدی از جمله کتب منطقی است که در حوزه‌های علمیه مورد اهتمام است، از دیدگاه جناب عالی توجه به متونی همچون حاشیه تاجه میزان در پیش رفت علمی طلاب مؤثر است؟

کتاب‌های متداول درسی حوزه‌های علمیه شیعه در زمان‌های مختلف با یکدیگر متفاوت بوده و در هر دوره و زمانی کتاب‌های خاصی تدریس می‌شده است. حاشیه ملاعبده الله از جمله کتبی است که در حوزه دانش منطق، صدها سال جزو متون درسی طلاب بوده و هست. کتاب حاشیه بر تهذیب المنطق، منبعی ارزشمند در دانش منطق به شمار می‌رود که ریزه‌کاری‌های دقیقی دارد و طلاب برای به دست آوردن توان علمی خوب، گریزی از این مباحث ندارند. در جایگاه رفیع این کتاب، همین بس که اساتیدی که با کتاب تهذیب المنطق سرو کار دارند خود را از مراجعه به حاشیه بی‌نیاز نمی‌بینند.

■ وظیفه ما در قبال بزرگانی چون ملاعبده الله بهابادی چیست؟

سرمایه‌های بسیار بزرگ علمی و معنوی، افتخارات هر ملتی به شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که هویت هر ملتی با بزرگان و سرمایه‌های علمی و معنوی هر ملت سنجیده می‌شود. ملاعبده الله بهابادی یزیدی یکی از سرشناسترین چهره‌های تشیع در قرن دهم هـ.ق است که با نگارش کتب متعدد فقهی، کلامی، تفسیری، منطقی و ادبی، حق بزرگی برگردن ما دارد و ما باید خود این بزرگوار و آثارش را برای جامعه و طلاب معرفی کنیم. مرحوم بهابادی، گره‌گشای نیازهای علمی بسیاری از مخاطبان و پژوهندگان دانش منطق است. به باور بنده مسئولان وظیفه دارند با برگزاری نكوداشت این شخصیت‌ها، آنان را از گوشه کتابخانه‌ها خارج ساخته و الگوهای نسل جدید قرار دهند و ویژگی‌های اخلاقی، منش‌های رفتاری و زندگی عارفانه و زاهدانه آن‌ها به نسل امروز معرفی شود تا جوانانی که دنبال الگو در رفتارهای شخصی و زندگی اجتماعی خودشان هستند بتوانند با سرمشق گرفتن از این فرزندان، زندگی صالحی داشته باشند.

علامه بهابادی به نقش عقل در تفسیر قرآن، معتقد و ملتزم بوده است

عقل، به مفهوم یاد شده، در تفسیر قرآن، در چهار محور متصور است: الف: سلبی؛ گاهی ظاهر آیه ای برخلاف حکم قطعی عقل است. در این جا عقل به تنهایی، صرف نظر از منابع دیگر، معنای ظاهری آیه را نفی می کند. مانند آیه شریفه «یدالله فوق ایدیهم»، بر اساس حکم عقل، ظاهر این گونه آیه ها مراد نیست و باید آن ها را به گونه ای تفسیر کرد که با تجرد خدا سازگار باشد؛ زیرا جسم و جسمانی نبودن خدا از احکام قطعی عقلی است و آن چه ملازم با جسم بودن خدا باشد، پذیرفته نیست؛ بنابراین، مراد از یاد در آیه فوق، «قدرت خدا»، «نصرت خدا» و کنایه از «بیعت با خدا» است.

ب: نقش ایجابی؛ گاهی ادله قطعی عقل، ظاهر آیه را تأیید می کند؛ در این صورت دست کشیدن از ظاهر آیه ناصواب است.

ج: نقش تبیینی و توضیحی؛ مهم ترین نقش عقل در تفسیر و تحلیل آیات با توجه به راه هایی است که عقلا برای فهم کلام از آن بهره می برند. در واقع، عقل در این جا نقش ابزاری دارد و متمم منابع دیگر است. این نقش عقل را می توان مصداق «تدبر در قرآن» دانست؛ یعنی عقل با استفاده از لغت، آیه ها، روایت ها و قراین پیوسته و ناپیوسته کلام، مجهولات خود را کشف می کند و با کاوش و استدلال، به فهم مراد خداوند از آیه دست می یابد.

د: کشف استلزامات؛ علاوه بر مفاد ظاهری آیات، استلزامات عقلی آن ها نیز مقصود خدا است و می توان آن ها را دیدگاه های قرآن تلقی کرد. بر این اساس، بخشی از تفسیر آیات را استلزامات عقلی مفاد آیات تشکیل می دهد و مفسر باید آن ها را استخراج کند. برای نمونه در آیاتی مانند: «الله یتوفی الانفس حین موتها» از توفی انسان در هنگام مرگ سخن به میان آمده است.

مدلول ظاهری این تعبیر، به تمام و کمال دریافت شدن انسان در هنگام مرگ است، ولی این مدلول ظاهری، استلزاماتی به شرح زیر دارد، که آن ها نیز مقصود خداوند است:

۱. هویت حقیقی انسان را روح او تشکیل می دهد، نه جسم او؛ زیرا آن چه در هنگام مرگ به تمام و کمال دریافت می شود، جسم نیست؛ چرا که جسم، قبل و بعد از مرگ، در شرایط یکسان و در مکان معینی قرار دارد و این روح است که قبل و بعد از مرگ در شرایط متفاوتی قرار دارد.

۲. هویت واقعی انسان، یعنی روح، مجرد است و آثار و احکام ماده را ندارد؛ به همین دلیل، با وجود متلاشی شدن جسم، روح باقی می ماند و به تمام و کمال در اختیار خداوند و فرشتگان اوست.

۳. انسان با مرگ نابود نمی شود و پس از مرگ نیز تداوم دارد. روشن است که اگر بهره گیری از عقل نبود، این نتایج از آیه قابل استخراج نبود.

تفسیر عقلی ملاحظه در کتاب درة المعانی در تأیید این ادعا ارزیابی می شود، چرا که از جمله اندیشمندانی است که برای عقل چهار نقش مطرح در مطالب ذکر شده را قائل بوده و در آثار تفسیری خود به این امر ملتزم بوده است.

■ می شود این تطبیق را با یک مثال از تفسیر ایشان، روشن تر بیان کنید؟

بله! تبیین معنای «احد» ذیل آیه شریفه «قل هو الله احد» می تواند نمونه خوبی باشد. مرحوم ملا عبدالله در توضیح کلمه احد می فرماید: «همه علما از معنای کلمه «الأحد» معنای سلبی را استنباط می کنند، همچون این مورد که خداوند متعال جوهر نیست، عرض نیست، کم نیست، کیف نیست...». مرحوم ملا عبدالله با تفسیری که از احد ارائه می دهد «وحدت عددی» را از خدای متعال سلب و برای اثبات آن به برخی روایات استشهد می کند. از دیدگاه مرحوم ملا عبدالله کلمه «احد» در مورد چیزی و کسی به کار می رود که قابل کثرت و تعدد نباشد؛ نه در خارج و نه در ذهن و اصولاً داخل اعداد نشود. به خلاف کلمه واحد که هر واحدی، یک ثانی و ثالثی دارد یا در خارج و یا در توهم و یا به فرض عقل، که با انضمام به ثانی و ثالث و رابع کثیر می شود. اما احد اگر هم برایش فرض شود، باز خود همان است و چیزی بر او اضافه نشده. علامه با استفاده از کلمه احد، وحدت عددی را از خدا نفی می کند، زیرا لازمه آن نقص و نقصان است.



■ با توجه به معاصرت ملا عبدالله با صفویه، رویکرد سلسله صفویه به مسأله قرآن و تفسیر آن چگونه بوده است؟

به دلیل رویکرد فرهنگی سلسله صفویه و تغییر مذهب ایران به مذهب تشیع، در این دوره دانش های اسلامی با رویکرد شیعی فرصت ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد، زیرا سلاطین صفویه اقبال خوبی به فقها و اندیشمندان شیعی نشان دادند. در شمار حرکت های مبارک دانشمندان شیعی این دوران، توجه به قرآن کریم و تدوین کتابها و رساله های تفسیری قابل مشاهده است. به طور کلی از قرن دهم به عنوان دوران پویایی و تحرک تفسیر قرآن یاد شده است.

■ بزرگان زیادی در این دوره دست به قلم شده و به ترویج معارف قرآنی پرداختند که یکی از این بزرگان، ملا عبدالله بهابادی یزدی بود؛ آثار تفسیری ملا عبدالله چگونه ارزیابی می شود؟

تفسیری که از ابتدای تأسیس سلسله صفویه تا اوایل قرن یازدهم نگاشته شده، عمدتاً دارای رویکرد اجتهادی عقلی است. علامه ملا عبدالله بهابادی بر اساس آن چه به ما رسیده، دارای سه اثر تفسیری با عناوین «التجارة الربیحة فی تفسیر السورة والفاتحة»، «درة المعانی فی تفسیر سورة الاخلاص والسبع المثانی» و «حاشیه بر انوار التنزیل» بوده که مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمته الله در جلد سوم کتاب «الذریعة الی تصانیف الشیعة» به دو کتاب التجارة الربیحة و حاشیه بر تفسیر بیضاوی اشاره می کنند، اما از درة المعانی سخنی به میان نمی آورند. به باور بنده، کتاب درة المعانی را می توان در شمار تفاسیر ادبی عقلی قرار داد.

■ با توجه به این که کتاب درة المعانی را ترجمه کرده اید، ویژگی های ادبی این اثر گران سنگ و رویکرد مؤلف آن چیست؟

از علومی که در فرآیند تفسیر به کار می رود، علوم ادبی است که شامل واژه شناسی و رسم الخط می شود. مولف این اثر گران سنگ نیز که خود یک ادیب و بلاغی بزرگی است به فراخور موضوع، به مباحث دقیق ادبی و بلاغی و در ضمن برخی آیات به بحث قرائت نیز پرداخته است.

می دانیم چگونگی فهم مفردات قرآن در فرآیند تفسیر، تابع ضوابطی است و از مبانی خاصی ریشه می گیرد. بررسی متن درة المعانی نشان می دهد ملا عبدالله به گونه ای ضابطه مند و بر اساس مبانی و قواعد ویژه ای به بیان معانی مفردات قرآن پرداخته است. دیگر این که توجه و تحلیل مصادر حدیثی، روایی و لغوی در هر اثری، کاشف از ذوق و نگاه نویسنده آن اثر است؛ از مصادر لغوی این اثر ملا عبدالله می توان به لسان العرب، الکتب سبویه و کتاب العین الخلیل بن احمد اشاره کرد.

■ در تفسیر و حدیث، چه مصادری دارد؟

مصادر تفسیری درة المعانی از جمله مجمع البیان مرحوم طبرسی، البحر المحیط ابویحیان اندلسی، تفسیر کشاف، تفسیر عیاشی، تفسیر معالم التنزیل و تفسیر انوار التنزیل است.

از مصادر روایی این کتاب هم می توان به توحید صدوق اشاره کرد که مرحوم ملا عبدالله با سلسله روایات این احادیث را نقل کرده است که خود حاوی نکات دقیقی است. یک نکته هم خوب است یادآوری شود که مرحوم ملا عبدالله بهابادی در سوره توحید به روایتی استناد می کند که محقق کتاب، مصدر آن را کتاب روح المعانی آلوسی دانسته است؛ که این اشتباهی بین است، زیرا آلوسی از تفاسیر بعد از قرن دهم است و ملا عبدالله نمی توانسته از ایشان نقل قول کند.

■ رویکرد عقلی این تفسیر، چگونه است؟

یکی از منابع علم تفسیر، عقل برهانی است تا از مغالطه، وهم و تخیل محفوظ باشد. منظور از عقل برهانی همان است که با اصول و علوم متعارفه خویش، اصل وجود مبدا جهان و صفات و اسمای حسنی او را ثابت کرده است. تفسیر عقلی از دیرباز مورد توجه و استفاده قرار می گرفته و حتی می توان نمونه هایی از آن را در روایات معصومین علیهم السلام و مصادیقی از آن را در تفاسیر مفسران بزرگ یافت. منبع بودن عقل در علم تفسیر به این معنی است که بدیهیات عقلی و برهان های قطعی برگرفته از آن ها، از قراین متصل آیات به شمار می آید و عقل این قراین را در اختیار می گذارد. نقش

تعامل و همکاری بیشتر میان عتبه علویه و کنگره ملا عبدالله بهابادی



بزرگداشتی در قم و نجف برگزار گردد. در همین راستا پیشنهاد شد همکاری میان مؤسسات و نهادهای علمی عراق با محوریت عتبه علویه برای احیای آثار ملا عبدالله بهابادی ادامه یابد. در این دیدار، مسئولان بخش های مختلف آستان مقدس عتبه علویه نیز، آمادگی خود را برای همکاری در برگزاری این کنگره اظهار داشتند و بنا شد تفاهم نامه ای میان دبیرخانه کنگره و عتبه علویه، برای تقسیم کار و تبیین محورهای همکاری، منعقد گردد.

هیئت اعزامی کنگره بین المللی ملا عبدالله بهابادی، از عتبه علویه در عراق دیدار کرد.

در این دیدار، دبیر علمی کنگره با تشریح فعالیتهای صورت گرفته خاطر نشان کرد: با توجه به جایگاه علمی و معنوی ملا عبدالله بهابادی و مسئولیت آن عالم ربانی در تولیت آستان قدس علوی، مقرر گردیده دبیرخانه ای در قم برای بزرگداشت مقام علمی و معنوی ایشان تشکیل شده و با مساعدت مراکز علمی پژوهشی و اتمام فعالیت های کمیته علمی، کنگره



کشف نکاتی تازه از زندگی ملاعبده الله بهابادی یزدی

میرزا ابراهیم همدانی و شیخ حسنعلی یزدی از آنها بوده‌اند.

نکته اخیر حائر اهمیت است. زیرا اشکالی که بر سیدعلی‌خان مدنی صاحب سلافه‌العصر گرفته شده این است که شرح حال ملاعبده الله بهابادی متوفای ۹۸۱ق را با ملاعبده الله شوشتری اصفهانی متوفای ۱۰۲۱ق خلط نموده و شیخ حسنعلی شوشتری را فرزند ملاعبده الله یزدی دانسته است. متن کلام محبی، که البته از معاصران سیدعلی‌خان است ولی اطلاعات دقیق تری را نسبت به وی از سیره ملاعبده الله یزدی یاد می‌کند، حداقل این احتمال را تقویت می‌کند که ملاعبده الله یزدی که شاید جلال‌الدین منجم صاحب تاریخ عباسی هم پسروی باشد، نیز پسری با نام حسنعلی داشته است و از قرن ده به بعد چند شخصیت با نام حسنعلی یزدی را می‌شناسیم و تعدد دو شخصیت هم نام نیز در یک عصر، محال نیست.

محبی پس از این که از تعدادی از آثار ملاعبده الله یاد کرده و آنان را از حیث عبارت، ساده و مختصر و موجز یاد می‌کند (که البته جمع بین سادگی و اختصار، یک موهبت برای نویسنده است و هر کسی را بدان راه نیست)، می‌نویسد که آثار ملاعبده الله، همگی سودمند بوده و مورد رغبت مردم قرار گرفته و خداوند سبحان بر آن‌ها مهر قبول زده است.

در انتها ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در میان شرح حال نویسان اهل سنت به ویژه آنانی که کتاب های فهرست ترتیب داده‌اند، عده‌ای به ذکر شرح حال و تألیفات ملاعبده الله پرداخته‌اند، ولی تا به حال شرح حالی مفیدتر و جامع‌تر از شرح حالی که امین محبی یاد کرده، به دست نیامده و امیدواریم در آینده باز هم در میان منابع خاصه و عامه، نکات بیشتری از زندگی علامه بزرگوار حضرت ملاعبده الله بهابادی یزدی یافت شود تا عرصه های زندگی این اسوه علم و عمل بیشتر برای ما روشن گردد، والله ولی التوفیق

محمدعلی نجفی / قم المبارک / اسفند ۱۳۹۴
متن مجلدات کتاب «خلاصه الاثر» محبی



الْقَوَاعِد فِي الْفَقْهِ وَشَرْحِ الْعَجَالَةِ وَحَاشِيَةِ عَلِيِّ الشَّرْحِ الْمُخْتَصَرِ عَلَي التَّلْخِيصِ لِلْسَعْدِ وَحَاشِيَةِ عَلِيِّ حَاشِيَةِ الْعَلَامَةِ الْخَطَائِي عَلِي الشَّرْحِ الْمَذْكُورِ وَشَرْحِ عَلِي تَهْذِيبِ الْمُنْطِقِ لِلْسَعْدِ، وَكُلِّهَا مَرْغُوبَةٌ مَمْتَعَةٌ، قَدْ رَزَقَهُ اللهُ تَعَالَى فِيهَا الْقَبُولَ، وَكَأَنَّ وَقَاتَهُ فِي سَنَةِ خَمْسِ عَشْرَةِ بَعْدَ الْإِلْفِ بِمِائَتِيَّةِ أَصْبَهَانَ»

توصیفات محبی پیرامون مقام علمی ملاعبده الله، رتبه وی در میان عالمان ایرانی، تدریس او و شاگردانش، حتی نکته‌ای از قیافه مبارک ملاعبده الله، جالب و قابل اعتناست. وی ملاعبده الله را صاحب تحقیقات خوانده و او را علامه یگانه زمانش دانسته که کسی را با وی در بلندمرتبه بودن و تقوا و منزلت و جایگاه یارای همسری نبوده است، و این که غرق در مطالعه و فعالیت‌های تدریسی بوده و علوم را به اهلش یاد می‌داده و این که در زمینه تدریس، وی شخصیتی مبارک بوده و هیچ کس در محضر درس وی ننشسته الا اینکه سود و نفعی از آن درس کسب نموده است.

محبی در ادامه می‌گوید ملاعبده الله دارای هیئت و جسمی بزرگ بوده و صورتی نورانی داشته است. خوف و خشیت الهی در وی بسیار بوده و شخصی آرام و نیز با انصاف در بحث بوده است. شاگردان بی‌شماری از محضر درس وی بهره گرفته‌اند که شیخ بهائی،

است که پاره‌ای منابع از حضور ملاعبده الله در نواحی شام سخن گفته‌اند و محبی نیز چون اهل و ساکن شام بوده، شاید به سبب ارتباط با شاگردان یا شاگردان شاگردان مرحوم بهابادی اطلاعات جدید و سخنان نوری از ایشان به دست می‌دهد. قبل از پرداختن به سخنان محبی پیرامون ملاعبده الله، این نکته ناگفته نماند که به راهنمایی استاد ارجمند، حضرت آیه الله سبحانی تبریزی، به شرح حال مرحوم یزدی در خلاصه الاثر دست یافته و همین جا از جناب ایشان تشکر و سپاس‌گزاری می‌نمایم.

محبی در صفحه ۴۰ از مجلد سوم خلاصه‌اش، می‌نویسد:

«عبدالله بن الحُسَيْنِ الْيَزْدِي، صَاحِبُ التَّحْقِيقَاتِ، عَلَامَةٌ زَمَانَهُ بِعَيْتِ دِفَاعِ، وَخَاتَمَةُ مَحَقِّقِي الْعَجَمِ مِنْ غَيْرِ نِزَاعٍ، لَمْ يَدَانِهِ أَحَدٌ فِي عَصْرِهِ مِنْهُمْ فِي جَلَالَةِ الْقَدْرِ وَعِلْوِ الْمَنْزِلَةِ وَكَثْرَةِ الْوَرَعِ، وَكَانَ مِنْهُمْ عَلَى الْمَطَالَعَةِ وَالِاسْتِغْلَالِ بِالْعِلْمِ وَمَنْحِهِ لِمَسْتَحْقِيهِ، وَكَانَ مَبَارَكُ التَّدْرِيسِ، مَا اشْتِغَلَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا انْتَفَعَ بِهِ، وَكَانَ عَظِيمَ الْهَيْئَةِ، نِيرَ الصُّورَةِ، شَدِيدَ الْخَوْفِ وَالْخَشْيَةِ، ذَا سَكِينَةٍ وَأَنْصَافٍ فِي الْبَحْثِ، وَأَخَذَ عَنْهُ خَلْقٌ لَا يُحْصَوْنَ، مِنْهُمْ بَهَاءُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعَامِلِيُّ وَالْمِيزَرِيُّ الْإِبْرَاهِيمِيُّ الْهَمْدَانِيُّ وَوَلَدُهُ حَسَنُ عَلِيٍّ، وَلَهُ مَوْلِفَاتٌ مَفِيدَةٌ، سَهْلَةُ الْعِبَارَةِ مَعَ الْوَجَازَةِ، مِنْهَا شَرْحُ

کتاب تحفه شاه‌جهانیه که در کشورهای هند، پاکستان، اندونزی و... به عنوان کتاب درسی منطبق در حوزه‌های علمی خوانده می‌شود، در حقیقت همان کتاب حاشیه علامه ملاعبده الله بهابادی یزدی بر تهذیب المنطق سعد تفتازانی است. در آن مناطق وفات ملاعبده الله را سال ۱۰۱۵ قمری می‌دانند، در حالی که سال دقیق وفات ایشان، سال ۹۸۱ قمری می‌باشد.

احتمالاً منشأ این اشتباه در مجامع اهل سنت، ذکر تاریخ وفات ملاعبده الله در کتاب خلاصه الاثر محبی است. چرا که در این کتاب، وفات مرحوم بهابادی را خمس عشره بعد الألف نوشته که نکته‌ای نادرست است؛ چنان‌که مکان وفات ملاعبده الله را اصفهان یاد کرده که این نیز برخلاف تصریح شرح حال نویسان شیعی است. زیرا از باب اهل البیت اداری بما فی البیت، محل وفات مرحوم یزدی، نجف اشرف بوده است، اگرچه مزاری منسوب به ملاعبده الله هم در شهر باصفای بهاباد وجود دارد.

محبی، عالمی اهل سنت و دارای مذهب حنفی است که در قرن یازدهم هجری می‌زیست و اوایل قرن دوازدهم را درک کرده و از معاصران علامه شیخ محمد باقر مجلسی است. نام وی محمد امین بن فضل الله المحبی الحموی الدمشقی (متولد ۱۰۶۱ و متوفای ۱۱۱۱ق) است. این عالم محدث و مورخ ادیب از دانشمندان مشهور دمشق در زمان خود بوده و مولفاتی دارد که «خلاصه الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر» یکی از آن‌هاست. چنان‌که «جنی الجنین فی تمییز نوعی المثنیین»، «قصید السبیل فیما فی اللغه العربیة من الدخیل» و «نفحة الریحانة و رشحه طلاء الحانة» از دیگر آثار اوست. شرح حالی از وی را می‌توان در کتاب «من اعلام الفكر العربی فی العصر العثماني الأول» خواند. محبی با اینکه در مورد سال و مکان درگذشت مرحوم بهابادی به خطا رفته، ولی به سبب شهرت مرحوم بهابادی شرح حال ایشان را در کتابش ذکر کرده و نکات جالب و جدیدی را برای ما بازگو می‌کند. شایان ذکر

انعقاد تفاهم نامه برای پیشبرد

اهداف علمی کنگره علامه بهابادی

دبیرخانه کنگره بین‌المللی علامه ملاعبده الله بهابادی یزدی به منظور بهره‌گیری هرچه بیشتر از فرصت‌های علمی و پژوهشی موسسات و پژوهشگاه‌های حوزه علمیه قم، دو تفاهم‌نامه جداگانه با پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی و جامعه المصطفی العالمیه منعقد ساخت. در این تفاهم‌نامه‌ها، مشارکت در برگزاری کنگره و نشست‌های علمی، نگارش مقالات و ارزیابی آن، ترجمه و شرح آثار و معرفی هئیت‌های علمی داخلی و خارجی، مورد تأکید قرار گرفته است.

اعلام همکاری مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه اصفهان

با کنگره بین‌المللی ملاعبده الله بهابادی

اعضای دبیرخانه کنگره بین‌المللی ملاعبده الله بهابادی، با مسئول مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه علمیه اصفهان دیدار کردند. در این دیدار دبیر علمی کنگره بین‌المللی ملاعبده الله بهابادی از اقدامات صورت‌گرفته گزارشی ارائه کرد. عبدی پور خاطر نشان ساخت: با توجه به این که بخشی از حیات علمی ملاعبده الله بهابادی در مکتب اصفهان سپری شده است، می‌توان از ظرفیت حوزه علمیه اصفهان در شناخت بهتر ملاعبده الله بهابادی بهره لازم را برد. در ادامه این دیدار، حجة الاسلام مجید هادی زاده، ضمن قدرانی از تلاش‌های دبیرخانه کنگره ملاعبده الله بهابادی، آمادگی مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه علمیه اصفهان را جهت همکاری با این دبیرخانه در شناسایی نسخه‌های خطی موجود در اصفهان اعم از کتابخانه‌های دولتی و شخصی، اعلام کرد و گفت: پژوهشگران می‌توانند از ظرفیت مراکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان برای غنای مقالات بهره ببرند.

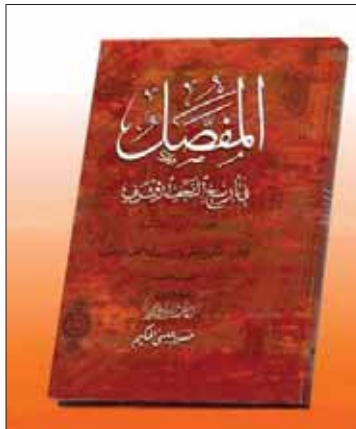


باید دید ملا عبدالله چه جایگاهی داشته که هم سلاطین صفوی و هم عثمانی وی را گرامی داشته‌اند

امور مربوط به این کنگره می‌بینم در سایر کنگره‌هایی که بنده با آن همکاری داشته‌ام، کمتر وجود داشته است.

گفتنی است، استاد دکتر حسن عیسی الحکیم متولد نجف اشرف و از مورخان برجسته عراق، رئیس مؤسسه دینی فرهنگی «التراث النجفی» عراق، رئیس سابق دانشگاه کوفه، پژوهشگر و استاد دانشکده ادبیات و فقه این دانشگاه است.

گرچه درباره نجف اشرف آثار بسیاری همچون «شعراء الغری»، «ماضی النجف و حاضرها»، «تاریخ النجف الاشرف» و «موسوعة النجف الاشرف» به نگارش درآمده است، اما یکی از مفصل‌ترین و بهترین آثار، موسوعه دایرةالمعارف «المفصل» است که در ۳۴ جلد و بیش از ۱۲ هزار صفحه منتشر شده است. نویسنده این اثر «دکتر حسن عیسی الحکیم» از ادبا و شخصیت‌های تاریخ‌دان و شرح‌حال‌نویس عراقی است. این کتاب از جمله منابع مهمی است که به شخصیت علمی ملا عبدالله بهابادی یزدی و خاندان ایشان پرداخته است.



وی تأکید کرد: از آن‌چه که مستندات تا به امروز بیان کرده‌اند و همچنین خصوصیتی که در باره تولیت و خزانه دار حرم علوی ذکر شده، به طور قطع اثبات می‌شود ملا عبدالله خاندان ملایی، همان ملا عبدالله یزدی صاحب حاشیه است. نویسنده کتاب المفصل و رئیس سابق دانشگاه کوفه، ضمن اعلام همکاری مؤسسه تراث نجفی و مشارکت در تألیف مقالات، اظهار داشت: همتی که در پیگیری



علامه ملا عبدالله را در واسپاری مسئولیت خزانه داری و تولیت حرم علوی، بسیار با اهمیت دانست و گفت: باید زمانه و عصر علامه ملا عبدالله را ملاحظه کنیم و ببینیم چرا شاهان صفوی به او عنایت داشتند و حتی در برهه‌ای از زمان که سلاطین عثمانی بر منطقه و شهر نجف سیطره پیدا می‌کنند، علامه و خاندان ایشان را مجدداً تأیید و در مسئولیت خود ابقا می‌کنند.

استاد دکتر عیسی حکیم، نویسنده کتاب «المفصل فی تاریخ النجف الاشرف» در پاسخ به این پرسش که چرا نظر کارشناسی خود را درباره ملا عبدالله و خاندان ملالی در کتاب خود مطرح نکرده است؟ گفت: مورخ در پژوهش‌های تاریخی خود ابتدا بر اساس مستندات، شواهد و روایات قابل اطمینان، حوادث و مسائل تاریخی را بیان می‌کند، اما گاهی شرایطی حاکم است که نمی‌توان به طور قطع حرف زد.

وی احتمالاتی را در باره ادعای عرب بودن خاندان ملالی مطرح ساخت و گفت: اول این‌که خاندان ملالی اصالتاً عرب بوده و بنا بر دلالی، مدتی به ایران و دیار یزد هجرت کرده باشند؛ دوم، افکار عمومی چنین تلقی دارند که این خاندان پس از سکونت در عراق مستعرب شده‌اند؛ و باید گفت به دلیل اختلاط نسب و حضور طولانی، این فرض هم معقول به نظر می‌رسد؛ سوم، سیاست‌های ایران‌هراسی و خصومت با ایرانی‌های مقیم عراق (در زمان حاکمیت حزب بعث) موجب شده این خاندان، ایرانی بودن خود را کتمان کنند. در ادامه استاد حکیم، شناخت و ویژگی‌های

حجة الاسلام والمسلمین مرتضی خوش‌نویس زاده

ملا عبدالله هرگز اخباری نبوده و یک فقیه اصولی به شمار می‌رود

حاشیه ملا عبدالله بهابادی یزدی رحمته‌الله برای بیان استدلال‌های فتاوی علامه حلی رحمته‌الله نگاشته شده است و قصد توضیح و تبیین متن ارشاد الادهان را ندارد و البته در مواردی برخی فروع هم اضافه بر ارشاد الادهان شده است.

از جمله شاخصه‌های اصولی بودن مرحوم بهابادی ذکر سلسله سند حدیث است. در توضیح این مطلب باید گفت: یکی از مشخصه‌های اخباریین این است که روایات کتب اربعه را تماماً صحیح می‌دانند، لذا سند حدیث را نمی‌آورند، اما مرحوم ملا عبدالله در چندین جای حاشیه از ارشاد به سند اشاره کرده و در مورد صحیح و حسن بودن آن نیز اظهار نظرهایی دارد. برای مثال، ذیل بحث وضوی شخص جنب، می‌فرماید سند این روایات مخدوش است و استناد به آن صحیح نمی‌باشد.

علاوه بر این، تنها وقتی به روایت صحیحی می‌رسد، به آن استناد می‌کند. شاخصه بعدی این است که اخباری‌ها استفاده از ظاهر آیات را تا وقتی که روایتی در ذیل آن وارد نشده، مجاز نمی‌دانند! حال این که علامه بهابادی مکرراً به آیات اشاره می‌کند در حالی که در ذیل آن روایتی وارد نشده است. هم چنین استفاده ایشان از اجماع، یکی دیگر از دلایلی است که نشان می‌دهد ایشان اخباری نیست.

■ با توجه به این‌که ملا عبدالله، بیشتر در حوزه دانش منطق مشهور است، آیا نقش این دانش در استنباط‌های فقهی ایشان را می‌توان در متن ارشاد رصد کرد؟

بله! جنبه عقلی حاشیه ارشاد الادهان بسیار قوی است. استفاده ایشان از عباراتی همچون تعریف به اخفی، ذاتی، تناقض، کلی و جزئی در متن ارشاد، نشان از اثرگذاری دانش منطق در استنباط‌های فقهی این فقیه فرزانه دارد. این نکته هم جالب است که صداقت و معنویت علامه بهابادی را می‌توان در عبارات نقل شده از ایشان کشف کرد؛ برای مثال در مواردی که روایتی را ندیده است، اذعان به این مطلب کرده و می‌فرماید: بنده این روایت را ندیده‌ام، اما مثلاً علامه حلی در فلان کتاب آن را نقل کرده است. این خود، نشان‌گر تواضع، امانت‌داری و صداقت علمی این عالم بزرگوار است.

■ در پایان اگر پیشنهادی دارید بفرمایید؟
به نظر اگر این حاشیه در کنار حاشیه‌های بزرگانی همچون شهید اول، شهید ثانی، محقق کرکی، مقدس اردبیلی و شیخ انصاری قرار گیرد، قوت علمی و اتقان استدلال این فقیه منطقی، بیشتر نمایان می‌شود. بنده در مقام مقایسه این حاشیه‌ها به این نتیجه رسیدم که مرحوم ملا عبدالله اگر از این اعظم در استدلال علمی بالاتر نباشد، قطعاً پایین‌تر هم نیست.



■ علامه ملا عبدالله بهابادی یکی از فقیهان منطقی اوایل قرن دهم ه. ق است که تولیت حرم مطهر امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام را بر عهده داشت. ایشان دارای آثار بسیار متنوعی در حوزه‌های مختلف از جمله فقه است. از جمله حاشیه‌ای است که بر ارشاد الادهان مرحوم علامه حلی دارد. جایگاه ارشاد الادهان در میان سایر کتب فقهی چگونه است؟

یکی از ابتکارات مرحوم علامه حلی این است که در حوزه‌های مختلف دارای آثار متعدد و فاخری است که به طور کلی کتاب‌های فقهی ایشان را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: دسته اول برای عموم مردم نگاشته شده است. کتاب‌هایی همچون ارشاد الادهان، ایضاح الاحکام و تبصرة المتعلمین. دسته دوم برای طلاب سطح خوان نگاشته شده، مثل قواعد الاحکام و تحریر و دسته سوم برای اعظم علماء نگاشته شده که می‌توان به مختلف الشیعه، تذکره الفقها و منتهی المطلب اشاره کرد.

در این میان، یکی از کتاب‌هایی که بسیار مورد توجه علما قرار گرفته و حواشی و شرح‌های متنوعی بر آن زده شده، «ارشاد الادهان» است. مرحوم علامه این کتاب را به درخواست پسر فاضلش فخرالمحققین نوشته که یک دوره فقه از طهارت تا دیات است. بزرگانی چون شهید اول، شهید ثانی، محقق کرکی، مقدس اردبیلی، فخرالمحققین، شیخ انصاری بر این کتاب، حاشیه و شرح دارند. جالب است که گفته می‌شود آثار شیخ انصاری به جز کتاب مکاسب، همه پیرامون شرح شرایع و ارشاد الادهان مرحوم علامه حلی است!

■ برخی تلاش کرده‌اند نشان دهند که علامه بهابادی در ردیف فقهای اخباری قرار دارد، آیا متن حاشیه ارشاد الادهان این مطلب را تصدیق می‌کند؟

علامه ملا عبدالله بهابادی نه تنها یک اصولی، بلکه از جمله آن اصولیینی است که به نحو حداکثری از دانش اصول در استنباط فقهی بهره می‌گیرد. صفحه به صفحه حاشیه ارشاد الادهان ایشان، گواه روشنی بر این ادعا است. به عبارتی دیگر تمام شاخصه‌هایی که برای یک اصولی بیان شده است، به خوبی و روشنی در متن حاشیه ارشاد الادهان ملا عبدالله عیان است.

علاوه بر این، به هیچ وجه، یک اخباری بر کتابی که اصولی است، حاشیه یا شرح نمی‌نویسد! تمام بزرگانی که از آن‌ها یاد کردیم، از اعظم اصولیین شیعه به شمار می‌روند. همین که مرحوم ملا عبدالله به چنین اثری حاشیه زده، خود بهترین گواه است که اخباری نبوده است.

■ این حاشیه از لحاظ محتوایی چگونه اثری است و چه نشانه‌های متنی اصولی دارد؟



چکیده آثار رسیده به دبیرخانه کنگره حکیم بهابادی

ردیف	عنوان	نویسنده
۱	ارتباطات شهید ثانی و خاندان وی با ملا عبدالله بهابادی یزدی	رضا مختاری
۲	صناعات خمس از دیدگاه ملا عبدالله بهابادی یزدی	حسینعلی دیلم
۳	جلوه‌های بلاغی مکتب شیراز و جایگاه بلاغت در سیره علمی ملا عبدالله	امید علی
۴	فعالیت‌های تفسیری علامه ملا عبدالله یزدی	حبیب‌الله یوسفی - عظیم عابدینی
۵	فعالیت‌های کلامی ملا عبدالله بهابادی و سیر کلام در مکتب شیراز	محمد کاظم حججی
۶	شیخ عبدالله یزدی و حکومت صفویه از نگاه مقام معظم رهبری	حسین عرفانی
۷	مکتب شیراز و ملا عبدالله بهابادی یزدی از دیدگاه شهید مطهری	علی اصغر حسینی
۸	مطالعه توصیفی حاشیه ملا عبدالله از منظر تحلیل ژانر	سید عبدالمجید طباطبایی لطفی - طاهره قاسمی
۹	بدیهیات تصدیقی و اقسام آن از دیدگاه ملا عبدالله یزدی در کتاب حاشیه	رضا باذلی
۱۰	تلامذه ملا عبدالله بهابادی یزدی	عبدالصمد جودتی استیاری
۱۱	بررسی جایگاه قضیه کلی طبیعی از منظر ملا عبدالله یزدی	محمد حسین ایراندوست
۱۲	جایگاه «حاشیه» ملا عبدالله در میان کتب منطقی	سید حامد صدر
۱۳	بررسی تطبیقی «حاشیه» ملا عبدالله با «النضید» علامه حلی	عبدالرضا عسکری وادقانی
۱۴	شخصیت‌شناسی اساتید ملا عبدالله بهابادی یزدی	حسین پریزاد
۱۵	ملا عبدالله یزدی و خاندان ملالی در عرصه تولیت حرم علوی <small>علیه السلام</small>	احمد جنت امانی
۱۶	تحلیل روش تفسیری ملا عبدالله بهابادی	ابراهیم حسن پور - اصغر میرزاپور
۱۷	ملا عبدالله بهابادی یزدی در «الذریعه»	محمد علی نجفی کرمانشاهی
۱۸	بررسی و تحلیل دلایل هم‌گرایی عالمان شیعه با دولت صفوی	حسن عبدی پور - اصغر میرزاپور
۱۹	مقایسه تطبیقی حاشیه ملا عبدالله و المنطق مرحوم مظفر	علیرضا وجدانی
۲۰	جایگاه قرآن در استنباط‌های فقهی ملا عبدالله بهابادی با تاکید بر حاشیه ارشادالادهان	ابراهیم ابراهیمی
۲۱	مقایسه تطبیقی «حاشیه» ملا عبدالله و «المنطق» مظفر	رشیدزاده
۲۲	جلوه‌های ادبی و بلاغی تفسیر «درة المعانی»	علی عباس پور
۲۳	انگاره‌های حدیثی در سیره علمی ملا عبدالله بهابادی یزدی	سیده مریم صمدی
۲۴	نقش ملا عبدالله بهابادی در تکوین جریان تعقل‌گرایی عصر صفوی	حجة الاسلام بشکانی
۲۵	المقارنه بین شراح «الحاشیه» من الشيعة و اهل السنة	حسین الأهوازی
۲۶	بررسی احوال چهار ملا عبدالله در عصر صفویه	عبدالله پوررضا
۲۷	سیری در احوال شارحان و حاشیه‌نویسان «حاشیه» ملا عبدالله	خلیل آقایی
۲۸	اندیشه و فعالیت سیاسی ملا عبدالله یزدی با نگرش به روابط صفویه و علمای شیعه	سید ابوالحسن توفیقیان
۲۹	ریخت‌شناسی مبانی فلسفی ملا عبدالله یزدی در رساله تشکیک	عیسی بابرامی
۳۰	نوآوری منطقی ملا عبدالله بهابادی یزدی پیرامون اشکال اربعه	محمد امین یزدان‌پناه
۳۱	آیا تحفه شاه‌جانیه تالیف ملا عبدالله یزدی است؟	محمد حسین نقی پور
۳۲	عالمان و اندیشمندان معاصر ملا عبدالله یزدی	سمیه سادات سجادی
۳۳	سبک‌شناسی شروح و تعلیقات حاشیه ملا عبدالله در دوران معاصر	حسین غلامی بدربانی
۳۴	مقایسه ساختاری و محتوایی درة المعانی ملا عبدالله با عروة الوثقی شیخ بهایی	مهدی حسن پور



نیم‌نگاهی به مدرسه ملاعبدالله در اصفهان

کتیبه سردر مدرسه ملاعبدالله نیز به خط ثلث سفید بر کاشی خشتی لاجوردی، سال ۱۲۱۸ هجری قمری را در خود ثبت کرده است. این مدرسه در زمان حیات ملاعبدالله، از مدارس پررونق و باشکوه اصفهان بوده و بسیاری از دانشمندان و روحانیون برجسته اصفهان، از فارغ‌التحصیلان آن به شمار می‌روند.

و مأخذ موجود می‌توان حدس زد در زمان شاه عباس اول صفوی ساخته شده باشد. در ایوان جنوبی مدرسه، لوحی از سنگ پارسی نصب شده که به خط نستعلیق برجسته، تاریخ ۱۰۸۸ هجری قمری را بر خود دارد. مفاد این کتیبه حاکی از این است که شخص نیکوکاری موقوفاتی برای مدرسه تعیین کرده است.

مدرسه ملاعبدالله در ابتدای بازار قیصریه اصفهان و در زیر چهارسوی زیبایی که در دوران صفویه «چهارسوی شاه» نامیده می‌شد قرار دارد. این مدرسه، در دو طبقه ساخته شده و حجره‌های طلاب، گرداگرد مدرسه قرار گرفته‌اند. این بنا با تزئینات کاشی‌کاری معرق آراسته شده، اما تاریخ ساخت مشخصی ندارد؛ گرچه از سبک کاشی‌کاری معرق و منابع

معرفی علامه بهابادی

معرفی بخشی از تمدن شیعی صفویه است

اعضای دبیرخانه کنگره بین‌المللی ملاعبدالله بهابادی، با مسئول و معاون قطب علمی صفویه، دیدار کردند. در این دیدار، دبیر کنگره ملاعبدالله بهابادی خاطرنشان ساخت: معرفی شخصیتی همچون ملاعبدالله بهابادی در حقیقت معرفی بخش نرم‌افزاری تمدن شیعی صفوی است، زیرا تمدن صفویه محصول عالمی همچون شیخ بهایی، ملاصدرا، ملاعبدالله و دیگر علما بوده است. در ادامه رئیس قطب علمی صفویه اظهار داشت: علامه ملاعبدالله بهابادی از جمله اندیشمندان قرن دهم است که متأسفانه آن‌چنان که باید، به جامعه معرفی نشده و برگزاری کنگره‌های این‌چنینی برای بزرگانی مانند ایشان، ضرورتی غیرقابل انکار است. دکتر منتظرالقائم افزود: هم‌چنین پی‌گیری نوشته‌های مکتوب، کتاب‌ها و مقالات ناظر به وضع اجتماعی و حوزه‌های علمیه قرن دهم، یکی از کارهای لازمی است که باید به آن توجه شود. در پایان این دیدار، رئیس قطب علمی صفویه، آمادگی این مجموعه را جهت همکاری با دبیرخانه کنگره بین‌المللی علامه بهابادی در برگزاری نشست علمی ملاعبدالله، نگارش و ارزیابی مقالات ارسالی اعلام کرد.



عبدالله بن محمد باقر

ارتباط با دبیرخانه بزرگداشت
حکیم ملاعبدالله بهابادی یزدی

قم - خیابان شهدا - کوچه ۳۹ - پلاک ۸
دبیرخانه کنگره بین‌المللی
علامه ملاعبدالله بهابادی یزدی
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۱۵۰۵

پایگاه اینترنتی
www.molaabdollah.ir

حکیم بهابادی

ویژه‌نامه کنگره بزرگداشت حکیم ملاعبدالله بهابادی یزدی
هفته‌نامه افق حوزه | اردیبهشت ۱۳۹۵ | رجب ۱۴۳۷

مدیر مسئول: حسن مولایی
سردبیر: یوسف ساعدی
دبیر ویژه‌نامه: حامد عبداللهی
طراح گرافیک و صفحه‌آرا: سید امیر سجادی
نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵
صندوق پستی: ۴۳۸۱ - ۳۷۱۸۵
تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۰۰۳۴
پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir